

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



یک جلسه تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



## ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ (از آیه‌های اخلاق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا﴾	الَّذِينَ	آمَنُوا	لَا يَسْخَرُوا	قَوْمٌ	مِنْ	قَوْمٍ
ای	کسانی که	ایمان آوردند	نباید مسخره کنند	قوم	از	قوم

ای کسانی که ایمان آوردید نباید قومی، قومی [دیگر] را مسخره کنند

عَسَىٰ	أَنْ يَكُونُوا <sup>۱</sup>	خَيْرًا <sup>۲</sup>	وَمِنْهُمْ	وَ	لَا	نِسَاءً	مِنْ	نِسَاءٍ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	نه	زنان	از	زنان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و نه زنانی، زنانی [دیگر را مسخره کنند].

عَسَىٰ	أَنْ يَكُونَ	خَيْرًا	مِنْهُمْ	وَ	لَا تَلْمِزُوا <sup>۳</sup>	أَنْفُسَكُمْ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	عیب نگیرید	خودتان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و از خودتان عیب نگیرید

وَ لَا تَتَّبِعُوا بِالْأَلْقَابِ	بِئْسَ	الْإِسْمُ	الْفُسُوقُ	بَعْدَ	الْإِيمَانِ
و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید	[چه] بد است	نام	آلوده شدن به گناه	بعد	ایمان

و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید پس از ایمان [به خدا] نام آلوده شدن به گناه [چه] بد است (چه نام بدی است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان)

وَ	مَنْ	لَمْ يَتُبْ	فَأُولَٰئِكَ	هُمْ	الظَّالِمُونَ*	يَا أَيُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا
و	هر کس	توبه نکرد	پس آنان	همان	ستمکاران	ای	کسانی که	ایمان آوردند

و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمکاران هستند، ای کسانی که ایمان آوردید

اجْتَنِبُوا <sup>۴</sup>	كثيْرًا	مِنْ	الظَّنِّ	إِنَّ	بَعْضَ	الظَّنِّ	إِثْمٌ
بپرهیزید، دوری کنید	بسیار	از	گمان	به راستی	برخی	گمان	گناه

از بسیاری از گمان [ها] بپرهیزید به راستی برخی گمان [ها] گناه هستند.

وَ	لَا تَجَسَّسُوا	وَ	لَا يَغْتَابُ	بَعْضُكُم	بَعْضًا
و	جاسوسی نکنید	و	نباید غیبت کند	برخی از شما	برخی

و جاسوسی نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید (نباید برخی از شما غیبت برخی [دیگر] را کنند).

أَيُّهَا	يُحِبُّ	أَحَدَكُمْ	أَنْ يَأْكُلَ	لَحْمَ	أَخِيهِ	مَيِّتًا
آیا	دوست دارد	یکی از شما	که بخورد	گوشت	برادرش	مرده

آیا یکی از شما (کسی از شما) دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟

فَكَرِهْتُمُوهُ	وَ	اتَّقُوا	اللَّهَ	إِنَّ	اللَّهَ	تَوَّابٌ <sup>۵</sup>	رَحِيمٌ <sup>۶</sup> (الْحَجَرَات: ۱۱ و ۱۲)
پس آن را ناپسند داشتید	و	پروا کنید	خدا	به راستی، بی‌گمان	خدا	بسیار توبه‌پذیر	مهربان

پس آن را ناپسند داشتید و از خدا پروا کنید بی‌گمان خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.

قَدْ	يَكُونُ	بَيْنَ	النَّاسِ	مَنْ	هُوَ	أَحْسَنُ <sup>۷</sup>	مِمَّا،
گاهی، شاید	می‌باشد	میان	مردم	کسی که	او	بهتر، بهترین	از ما

گاهی (شاید) میان مردم کسی می‌باشد (باشد) که او بهتر از ماست،

فَعَلَيْنَا	أَنْ نَبْتَدِعَ	عَنِ	الْعُجْبِ	وَ	أَنْ لَا نَذْكَرَ	غِيُوبَ	الْآخَرِينَ	بِكَلَامٍ	خَفِيِّ	أَوْ	بِإِشَارَةٍ.
پس ما باید، برماست	که دوری کنیم	از	خودپسندی	و	یاد نکنیم	عیب‌ها	دیگران	به سخن	پنهان	یا	با اشاره

پس ما باید (بر ما لازم است) از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.

۱. «لَا يَسْخَرُوا» فعل نهي سوم شخص ترجمه ← نباید + مضارع التزامی

۲. «أَنْ يَكُونُوا (أَنْ + فعل مضارع) ترجمه ← که + مضارع التزامی

۳. «خَيْرًا» اسم تفضیل است.

۴. «لَا تَلْمِزُوا» فعل نهي دوم شخص ترجمه ← امر منفی

۵. جمله شرطیه است و جمله «فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» جواب شرط است.

۶. «اجْتَنِبُوا» فعل امر دوم شخص است.

۷. «تَوَّابٌ» بر وزن فَعَالٍ، اسم مبالغه است.

فَقَدْ قَالَ <sup>۱</sup>	أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>	«أَكْبَرُ <sup>۲</sup> »	الْغَيْبِ	أَنْ تَعِيبَ	مَا	فِيكَ	مِثْلَهُ <sup>۳</sup> .
پس گفته است	امیرمؤمنان علی <small>علیه السلام</small>	بزرگ‌ترین	عیب	که عیب‌دار کنی	آن‌چه	در تو	مانند آن

پس امیرمؤمنان علی علیه السلام گفته (فرموده) است: «بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانند آن در توست را عیب‌دار کنی (عیب بشماری).»

تَنْصَحُنَا	الْآيَةَ <sup>۴</sup>	الْأُولَى <sup>۵</sup>	وَ	تَقُولُ:	لَا تَعِيبُوا	الْآخِرِينَ <sup>۶</sup> .
ما را پند می‌دهد	آیه	اول	و	می‌گوید	عیب‌جویی نکنید	دیگران

آیه اول ما را پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید

وَ	لَا تَلْقُبُوهُمْ	بِالْقَابِ	يَكْرَهُونَهَا.	بِئْسَ	الْعَمَلُ	الْفُسُوقُ!
و	آنان را لقب ندهید	با لقب‌ها	آن را ناپسند می‌دارند	[چه] بد است	کار	آلوده شدن به گناه

و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، لقب ندهید. آلوده شدن به گناه [چه] بد کاری است!

وَ	مَنْ <sup>۷</sup>	يَفْعَلُ	ذَلِكَ	فَهُوَ	مِنْ	الظَّالِمِينَ.
و	هر کس	انجام می‌دهد	آن	پس او	از	ستمکاران

و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذَنْ	فَقَدْ حَرَّمَ	اللَّهُ	تَعَالَى	فِي	هَاتَيْنِ	الْأَيَّتَيْنِ:
بنابراین	پس حرام کرده است	خدا	بلندمرتبه	در	این دو	دو آیه

بنابراین خدای بلندمرتبه در این دو آیه [آن‌را] حرام کرده است:

-	الْإِسْتِهْزَاءُ <sup>۸</sup>	وَ	تَسْمِيَتِهِمْ	بِالْأَسْمَاءِ	الْقَبِيحَةِ.
ریشخند کردن	دیگران	و	نامیدن آنان	به نام‌ها	زشت

- ریشخند کردن دیگران و نام دادن (نامیدن) آنان با نام‌های زشت

-	سَوْءَ الظَّنِّ،	وَ	هُوَ	أَتَاهُمْ	شَخْصٍ	لِشَخْصٍ	آخَرَ	بِدُونِ	دَلِيلٍ	مَنْطِقِيٍّ.
بدگمانی	و	آن	تهمت‌زدن	شخص	به شخص	دیگر	بدون	علت،	دلیل	منطقی

- بدگمانی و آن تهمت زدن یک شخص (شخصی) به شخص دیگر بدون علتی منطقی است.

-	التَّجَسُّسِ،	وَ	هُوَ	مُحَاوَلَةُ	قَبِيحَةٌ	لِكَشْفِ	أَسْرَارِ	النَّاسِ
جاسوسی کردن	و	آن	تلاش	زشت	برای کشف	رازها	مردم	

- جاسوسی کردن و آن تلاشی زشت برای کشف رازهای مردم است

لِفَضْحِهِمْ	وَ	هُوَ	مِنْ	كِبَائِرِ الذُّنُوبِ	فِي	مَكْتَبِنَا	وَ	مِنْ	الْأَخْلَاقِ	السَّيِّئَةِ.
برای رسوا کردن آنان	و	آن	از	گناهان بزرگ	در	مکتب ما	و	از	اخلاق	زشت

برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق‌های زشت است.

-	وَ	الْغَيْبَةِ،	وَ	هِيَ	مِنْ	أَهَمِّ <sup>۹</sup>	أَسْبَابِ	قَطْعِ	التَّوَاصُلِ	بَيْنَ	النَّاسِ.
و	غیبت	و	آن	از	مهم‌ترین	علت‌ها	بریدن	ارتباط	میان	مردم	

- و غیبت و آن از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَى	بَعْضُ	الْمَفْسَّرِينَ	سُورَةَ	الْحَجَرَاتِ	الَّتِي	جَاءَتْ	فِيهَا	هَاتَانِ	الْأَيَّتَانِ	بِسُورَةِ	الْأَخْلَاقِ.
نامید	برخی	مفسران	سوره	حجرات	که	آمد	در آن	این دو	دو آیه	به سوره	اخلاق

برخی از مفسران سوره حجرات را که در آن، این دو آیه آمده است، سوره اخلاق نامیدند.

۱. قَدْ قَالَ (قَدْ + فعل ماضی) ترجمه ← ماضی نقلی

۲. أَكْبَرُ (اسم تفضیل) + الْغَيْبِ (مضاف‌الیه) ترجمه اسم تفضیل ← صفت برترین با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود.

۳. «الْأُولَى» اسم تفضیل مؤنث بر وزن «فَعْلَى» و نقش صفت را برای «الْآيَةَ» دارد.

۴. «الْآخِرِينَ» جمع مذکر سالم، مفرد آن «الْآخِرُ» اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَلُ» است.

۵. جمله شرطیه است. جمله «فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ» جواب شرط است.

۶. «الْإِسْتِهْزَاءُ» معمولاً با حرف جر «بِ» می‌آید.

۷. «أَهَمُّ» در اصل «أَهَمُّمٌ» بر وزن «أَفْعَلُ» بوده و اسم تفضیل است.

## واژگان

<p><b>عُجِبَ:</b> خودپسندی  <b>عَسَى:</b> شاید = رَئِمَا  <b>عَذَّبَ:</b> عذاب داد          (مضارع: يُعَذِّبُ / امر: عَذَّبْ / مصدر: تَعَذِّبُ)  <b>عَلَبَتْ:</b> چیره شد  <b>فُسُوقٌ:</b> آلوده شدن به گناه  <b>فَصَّحَ:</b> رسوا کردن  <b>فَلَقَ:</b> سپیده‌دم  <b>قَدَّ:</b> گاهی، شاید ← (بر سر فعل مضارع می‌آید).          «قَدَّ يَكُونُ: گاهی می‌باشد» ← بر سر فعل          ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال          و معادل ماضی نقلی است.  <b>كَبَائِرُ:</b> گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»  <b>كُرِهٌ:</b> ناپسند داشت          (مضارع: يَكْرَهُ / امر: اكْرَهُ / مصدر: كَرَاهَةٌ)  <b>لَحْمٌ:</b> گوشت «جمع: لُحُومٌ»  <b>لَقَّبَ:</b> لقب داد (مضارع: يَلْقَبُ / امر: لَقَّبْ)  <b>لَمَزَ:</b> عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)  <b>مَتَجَرَّ:</b> مغازه  <b>مَيِّتٌ:</b> مُرَدَّه «جمع: أَمْوَاتٌ، مَوْتَى» ≠ حَيٌّ  <b>مِيزَانٌ:</b> ترازو «جمع: مَوَازِينُ»  <b>نَوَعِيَّةٌ:</b> نوع، جنس</p>	<p><b>تَوَاضَل:</b> ارتباط          (ماضی: تَوَاضَلْ / مضارع: يَتَوَاضَلْ)  <b>تَمَّمَ:</b> کامل کرد          (مضارع: يَتَمَّمُ / امر: تَمَّمْ / مصدر: تَتَمِّمُ)  <b>جَادَلَ:</b> گفت‌وگو کرد، ستیز کرد          (مضارع: يُجَادِلُ / امر: جَادِلْ / مصدر: مُجَادَلَةٌ)  <b>حَرَّمَ:</b> حرام کرد          (مضارع: يَحْرِمُ / امر: حَرِّمْ / مصدر: تَحْرِيْمُ)  <b>حَسَّنَ:</b> نیکو گردانید          (مضارع: يُحَسِّنُ / امر: حَسِّنْ / مصدر: تَحْسِينُ)  <b>حَيٌّ:</b> بشتاب  <b>خَفَّضَ:</b> تخفیف داد          (مضارع: يُخَفِّضُ / امر: خَفِّضْ / مصدر: تَخْفِيزُ)  <b>خَفِيَ:</b> پنهان ≠ ظاهر  <b>زَمِيلٌ:</b> همکار  <b>سَاءَ:</b> بد شد (مضارع: يَسُوءُ)  <b>سَخَّرَ مِنْ:</b> مسخره کرد          (مضارع: يَسَخِّرُ / مصدر: سُخْرِيَّةٌ)          «لا يَسَخِّرُ: نباید مسخره کند»  <b>بِعَرَ:</b> قیمت «جمع: أَسْعَارٌ»  <b>صَلَّ:</b> گمراه شد (مضارع: يَصِلُّ)  <b>عَابَ:</b> عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد          (مضارع: يَعِيبُ / مصدر: عَيْبٌ)</p>	<p><b>إِنَّقَى:</b> پروا کرد (مضارع: يَنْقَى)          «اتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید»  <b>إِثْمٌ:</b> گناه = ذَنْبٌ  <b>إِسْتَهْزَأَ:</b> ریشخند کردن          (ماضی: اسْتَهْزَأَ / مضارع: يَسْتَهْزِئُ)  <b>أَذْعُ:</b> فرا بخوان  <b>إِغْتَابَ:</b> غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)          «لا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند»  <b>أَنْ يَكُنَّ:</b> که باشند (كانَ، يَكُونُ)  <b>أَنْ يَكُونَا:</b> که باشند (كانَ، يَكُونُ)  <b>أَهْدَى:</b> هدیه کرد  <b>بَغَضَ ... بَغَضًا:</b> یکدیگر  <b>بَشَّ:</b> بد است  <b>تَابَ:</b> توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ)          «لَمْ يَتُبْ: توبه نکرد»  <b>تَجَسَّسَ:</b> جاسوسی کرد          (مضارع: يَتَجَسَّسُ / امر: تَجَسَّسْ / مصدر: تَجَسُّسٌ)  <b>تَسْمِيَّةٌ:</b> نام دادن، نامیدن          (ماضی: سَمَّى / مضارع: يُسَمِّيُ)  <b>تَخْفِيزٌ:</b> تخفیف دادن (در داد و ستد)  <b>تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ:</b> به یکدیگر لقب‌های زشت دادن          (ماضی: تَنَابَزَ / مضارع: يَتَنَابَزُ / مصدر: تَنَابُزٌ)  <b>تَوَابَ:</b> بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده</p>
---	--	---

عَمَلٌ = فِعْلٌ کار	رَحِيمٌ = حَنُونٌ مهربان	إِثْمٌ = ذَنْبٌ = خَطِيئَةٌ گناه	خَيْرٌ = أَفْضَلُ، أَحْسَنُ بهتر، بهترین	يَا = أَيُّهَا ای
تَوَاضَلٌ = اِرْتِبَاطٌ ارتباط	مُحَاوَلَةٌ = اِجْتِهَادٌ = سَعْيٌ تلاش	قَدَّ (+ فعل مضارع) = عَسَى = رَئِمَا شاید	شَخْصٌ = فَرْدٌ فرد، شخص	يَفْعَلُ = يَفْعَلُ انجام می‌دهد، کار می‌کند
إِسْتَهْزَأَ بِ = سَخَّرَ مِنْ ریشخند کرد، مسخره کرد	كَبَائِرُ = الذَّنُوبُ الكَبِيرَةُ گناهان بزرگ	جَعَلَ = وَضَعَ قرار داد	سَبِيلٌ = طَرِيقٌ راه	حَسَنٌ = جَيِّدٌ خوب
إِجْتِنَابٌ = اِئْتِنَاعٌ دوری کردن، دور شدن	مَخْفِيٌ = مَسْتَوْرٌ پنهان	تَنَابَزَ = لَقَّبَ با لقب [بد] خواند، لقب داد	كُرِهٍ = قَبِيحٌ زشت، ناپسند	عَابَ = لَمَزَ عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد، عیب‌گرفت

أَوْلَانِكَ ≠ هُوَ لَاءِ آنان ≠ اینان	بَعْدُ ≠ قَبْلُ پس ≠ پیش	نِساء ≠ رِجَال زنان ≠ مردان	كثِيرٌ ≠ قَلِيلٌ بسیار، زیاد ≠ کم	اجْتَنِبُوا ≠ تَقَرَّبُوا دوری کنید، بپرهیزید ≠ نزدیکی کنید	متضاد
حَفِيٍّ ≠ ظَاهِرٍ، مُبِينٍ پنهان ≠ آشکار	نَبِيْتَعِدُّ ≠ نَقْتَرِبُ دور می‌شویم ≠ نزدیک می‌شویم	مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ مرده ≠ زنده	أَخٌ ≠ أُخْتٌ برادر ≠ خواهر	أَحَدٌ ≠ جَمِيعٌ یکی ≠ همه	
أَقَلُّ ≠ أَكْثَرُ کم‌تر ≠ بیش‌تر	أَعْلَى ≠ أَرْحَصُ گران‌تر ≠ ارزان‌تر	يَنْهَى ≠ يَأْمُرُ نهی می‌کند ≠ دستور می‌دهد	قَطَعُ ≠ وَضَلُ بریدن ≠ پیوند خوردن	قَبِيْحَةٌ ≠ جَمِيْلَةٌ زشت ≠ زیبا	
غَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ گران ≠ ارزان	قَدِيمٌ ≠ جَدِيدٌ، بَدِيعٌ قدیم ≠ جدید، نو	أَكْبَرُ ≠ أَصْغَرُ بزرگ‌تر ≠ کوچک‌تر	قَمِيصٌ ≠ فُسْتَانٌ پیراهن مردانه ≠ پیراهن زنانه	كَبْرَى ≠ صُغْرَى بزرگ‌تر ≠ کوچک‌تر	
سَوْءُ الظَّنِّ ≠ حَسَنُ الظَّنِّ بدگمانی ≠ خوش‌گمانی	أَحَلُّ ≠ حَرَمٌ حلال کرد ≠ حرام کرد	مَشْرِقٌ ≠ مَغْرِبٌ مشرق ≠ مغرب	زَائِدٌ ≠ نَاقِصٌ به‌اضافه ≠ منهای	أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدٌ سفید ≠ سیاه	
حَسَنٌ: خوب أَحْسَنُ: بهتر	أَعْلَى: بلندتر، بلندترین أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین	ذَهَبٌ: رفت ذَهَبٌ: طلا	تَابٌ: توبه کرد إِغْتَابٌ: غیبت کرد	غَافِرٌ: آمرزنده عَقَارٌ: بسیار آمرزنده	کلمات مشابه
		سَاتِرٌ: پوشاننده سَتَارٌ: بسیار پوشاننده	سَاءٌ: بد شد سَوْءٌ: بد	مَطْعَمٌ: رستوران مَطْبَخٌ: آشپزخانه مَطْبَعَةٌ: چاپخانه	
أَسْرَارٌ ← سِرٌّ راز	أَسْمَاءٌ ← إِسْمٌ نام، اسم	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ عیب	أَلْقَابٌ ← لَقَبٌ لقب	أَنْفُسٌ ← نَفْسٌ خود	جمع مکسر
لُحْمٌ ← لَحْمٌ گوشت	أَسْبَابٌ ← سَبَبٌ علت	أَخْلَاقٌ ← خُلُقٌ اخلاق	ذُنُوبٌ ← ذَنْبٌ گناه	كِبَائِرٌ ← كَبِيرَةٌ گناه بزرگ	
عِبَادٌ ← عِبْدٌ بنده	أَحَادِيثٌ ← حَدِيثٌ حدیث	أَفْضَلٌ ← أَفْضَلٌ بهتر، برتر	جِبَالٌ ← جَبَلٌ کوه	أَمْوَاتٌ، مَوْتَى ← مَيِّتٌ مرده	
تَمَارِينٌ ← تَمْرِينٌ تمرین	سِرَاوِيلٌ ← سِرْوَالٌ شلوار	فَسَاتِينٌ ← فُسْتَانٌ لباس	مَلَابِسٌ ← مَلْبَسٌ لباس	أَسْعَارٌ ← سِعْرٌ قیمت	
مَوَازِينٌ ← مِيزَانٌ ترازو	خَطَايَا ← خَطِيئَةٌ خطا، اشتباه	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ نہان	تَرَكَيبٌ ← تَرْكِيْبٌ ترکیب	أَفْعَالٌ ← فِعْلٌ فعل	

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را بر حسب متن درس مشخص کن.) ✓ ✗

- ✗ ۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحَجْرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. (برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.)
- ✗ ۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْرَاءَ وَ الْغَيْبَةَ فَقَطُّ. (خدا در این دو آیه، فقط ریشخند کردن و غیبت را حرام کرد.)
- ✓ ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ. (غیبت همان است که برادرت و خواهرت را به آن چه ناپسند می‌دارند، یاد کنی.)
- ✓ ۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الشُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ. (همانا خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می‌کند.)
- ✗ ۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (تلاش برای شناختن رازهای دیگران کاری زیباست.)

## قواعد

### اسم التفضیل و اسم المکان

#### اسم تفضیل

\* اسمی است که برتری کسی بر کسی دیگر یا برتری چیزی بر چیزی دیگر را بیان می‌کند.

اسم تفضیل، ریشه فعلی دارد؛ مذکر آن بر وزن «أفعل» و مؤنث آن بر وزن «فعلی» است و معادل «صفت برتر» و «صفت برترین (عالی)» در فارسی است؛ **مثال**

- صَغْرٌ: کوچک شد ← أَصْغَرَ (مؤنث آن «صَغْرَى»): کوچک‌تر، کوچک‌ترین
- كَبْرٌ: بزرگ شد ← أَكْبَرَ (مؤنث آن «كَبْرَى»): بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین
- حَسَنٌ: خوب شد ← أَحْسَنَ (مؤنث آن «حَسَنَى»): خوب‌تر یا بهتر یا نیکوتر، خوب‌ترین یا بهترین یا نیکوترین
- قَرَبٌ: نزدیک شد ← أَقْرَبَ (مؤنث آن «قُرْبَى»): نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین
- فَضْلٌ: برتری یافت ← أَفْضَلَ (مؤنث آن «فَضْلَى»): برتر، برترین

#### تست ۱ عین ما لیبی اسم التفضیل:

- (۱) أَنْفَع (۲) أَكَل (۳) أَكْرَم (۴) أَجْمَل

**پاسخ** اسم‌های «أَنْفَع»: سودمندتر، سودمندترین - «أَكْرَم»: گرامی‌تر، گرامی‌ترین - «أَجْمَل»: زیباتر، زیباترین «همگی بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل هستند ولی «أَكَل»: خورد» فعل ماضی است، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

#### تست ۲ أَيُّ الْأَسْمَاءِ كَلَّمَهَا اسْمٌ تَفْضِيلٍ:

- (۱) أَصْغَرَ - أَطَهَّرَ - مَحْكُومٌ  
(۲) أَشَجَّعَ - غَفَّارٌ - أَرْحَمَ  
(۳) أَسْمَعَ - أَعْظَمَ - أَصْلَحَ  
(۴) أَرْفَعَ - رَاجِمٌ - أَعْلَمَ

**پاسخ** در گزینه (۱) «مَحْكُوم»: حکم داده شده» بر وزن «مَفْعُول» و اسم مفعول است و «أَصْغَرَ»: کوچک‌تر، کوچک‌ترین - «أَطَهَّرَ»: پاک‌تر، پاک‌ترین» اسم تفضیل هستند؛ و در گزینه (۲) «غَفَّارٌ»: بسیار آمرزنده» بر وزن «فَعَّال» و اسم مبالغه است و «أَشَجَّعَ»: شجاع‌تر، شجاع‌ترین - «أَرْحَمَ»: مهربان‌تر، مهربان‌ترین» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أَسْمَعَ»: شنواتر، شنواترین - «أَعْظَمَ»: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین - «أَصْلَحَ»: درست‌کارتر، درست‌کارترین» تمامی اسم‌ها بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۴) «رَاجِمٌ»: رحم‌کننده» بر وزن «فَاعِل» و اسم فاعل است و «أَرْفَعَ»: بلندتر، بلندترین - «أَعْلَمَ»: داناتر، داناترین» اسم تفضیل هستند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) است.

\* اکنون به ترجمه اسم تفضیل در جمله‌های زیر دقت کنید:

- آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا. ← آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.
  - آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. ← آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.
  - آسیا أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ. ← آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.
  - جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. ← کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است.
  - جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ إِيْرَانِ. ← کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.
  - جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ إِيْرَانِ. ← کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.
  - أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. ← بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.
- همان‌گونه که در جملات بالا می‌بینید،

اگر حرف جرّ «مِنْ» بیاید، اسم تفضیل به شکل صفت برتر و با پسوند «تَر» ترجمه می‌شود.

**مثال** هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ. ← این بزرگ‌تر از آن است.

\* بعد از اسم تفضیل

اگر مضاف‌الیه بیاید، اسم تفضیل به شکل صفت برترین و با پسوند «تَرِین» ترجمه می‌شود.

**مثال** سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. ← سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

۱. گاهی اسم تفضیل مؤنث به شکل «فُعْلَا» است. مثال: أَعْلَى ← عَلِيَا: بالاتر، بلندتر

**سؤال** عَيْنٌ تَرْجَمَةُ اسْمِ التَّفْضِيلِ [بِشَكْلِ صِفَةٍ تَفْضِيلِيَّةٍ أَوْ صِفَةٍ عَالِيَةٍ] فِي الْعِبَارَاتِ. (ترجمه اسم تفضیل را [به شکل صفت برتر یا صفت برترین] در عبارتها مشخص کن.)

- (الف) دَرَسٌ عَلِيٌّ أَحْسَنُ مِنْ دَرَسٍ نَاصِرٍ. (ب) هُوَ مِنْ أَحْسَنِ الطَّلَافِ.  
 (ج) عَلِيٌّ أَشْجَعُ مِنْ سَعِيدٍ. (د) هُوَ مِنْ أَشْجَعِ النَّاسِ.  
 (هـ) هَذَا الْقَمِيصُ أَرْخَصُ مِنْ ذَلِكَ الْقَمِيصِ. (و) هَذَا أَرْخَصُ قَمِيصِنَا.

**پاسخ** (الف) أَحْسَنٌ؛ بهتر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود. **ترجمه:** «درسی علی بهتر از درسی ناصر است.»  
 (ب) أَحْسَنٌ؛ بهترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (الطَّلَافِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. **ترجمه:** «او از بهترین دانش‌آموزان است.»  
 (ج) أَشْجَعُ؛ شجاع‌تر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود. **ترجمه:** «علی از سعید شجاع‌تر است.»  
 (د) أَشْجَعُ؛ شجاع‌ترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (النَّاسِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. **ترجمه:** «او از شجاع‌ترین مردم است.»  
 (هـ) أَرْخَصُ؛ ارزان‌تر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود. **ترجمه:** «این پیراهن مردانه ارزان‌تر از آن پیراهن مردانه است.»  
 (و) أَرْخَصُ؛ ارزان‌ترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (قَمِيصِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. **ترجمه:** «این ارزان‌ترین پیراهن ما است.»

**تست ۳** عَيْنٌ عِبَارَةٌ جَاءَتْ فِيهَا صِفَةٌ عَالِيَةٌ (صفت برترین):

- (۱) لَيْسَ شَيْءٌ أَجْمَلُ مِنَ الْأَدَبِ. (۲) الْحَرَبَاءُ مِنْ أَعْجَبِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ.  
 (۳) إِنَّ التَّوَّاضِعَ أَنْفَعُ مِنَ الْعَجَبِ. (۴) مَكْتَبَتِي أَصْغَرُ مِنْ مَكْتَبَةِ صَدِيقِي.

**پاسخ** در گزینه (۱) بعد از اسم تفضیل «أَجْمَلُ» حرف جرّ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «چیزی زیباتر از ادب نیست!». در گزینه (۲) بعد از اسم تفضیل «أَعْجَبِ» مضاف‌الیه «مَخْلُوقَاتِ» آمده و به شکل صفت عالی یا صفت برترین ترجمه می‌شود: «آفتاب‌پرست از شگفت‌ترین آفریده‌های خداوند است!». در گزینه (۳) بعد از اسم تفضیل «أَنْفَعُ» حرف جرّ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «به راستی فروتنی سودمندتر از خودپسندی است!». در گزینه (۴) بعد از اسم تفضیل «أَصْغَرُ» حرف جرّ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «کتابخانه‌ام کوچک‌تر از کتابخانه دوستم است!»، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

**نکات**

❖ فعل‌هایی که سومین حرف اصلی آن‌ها «و» یا «ی» باشد، اسم تفضیلشان بر وزن «أَفْعَلُ» در آخر به شکل «-ی» نوشته می‌شود و به شکل «الف» خوانده می‌شود و اگر مضاف‌الیه آن ضمیر متصل (ه، ههما، ...) باشد، آخرشان به شکل الف «ا» نوشته می‌شود.

**مثال**

- حَفِيٌّ (خ ف ی) ← أَحْفَى (مخفی‌تر، مخفی‌ترین) ← أَخْفَاهُمْ (مخفی‌ترینشان)  
 عَلَا (ع ل و) ← أَعْلَى (بلندتر، بلندترین) ← أَعْلَاهُمْ (بلندترینشان)  
 غَلَا (غ ل و) ← أَعْلَى (گران‌تر، گران‌ترین) ← أَعْلَاهُمْ (گران‌ترینشان)

❖ فعل‌هایی که ریشه آن‌ها دو حرف شبیه هم دارند در ساختن اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَلُ»، دو حرف هم‌جنس با هم ادغام «أَفَّلَ» می‌شوند.

**مثال**

- حَبَّ (از ریشه «ح ب ب») ← أَحَبَّ (دوست‌داشتنی‌تر، دوست‌داشتنی‌ترین)  
 قَلَّ (از ریشه «ق ل ل») ← أَقَلَّ (کم‌تر، کم‌ترین)  
 رَقَّ (از ریشه «ر ق ق») ← أَرْقَّ (دلسوزتر، دلسوزترین)

**تست ۴ عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ صِبَاغَةِ اسْمِ التَّفْضِيلِ مِنْ مَادَّةِ (رِيشه) الْأَفْعَالِ:**

- (۱) غَ فَ وَ ← أَعْفَوُ (۲) قَ وَ يَ ← أَقْوَى (۳) شَ دَ دَ ← أَشَدَّ (۴) ضَ رَ رَ ← أَضْرَرُ

**پاسخ** در گزینه (۱) اسم تفضیل از ریشه عَفَوَ، «أَعْفَى (بخشنده‌تر، بخشنده‌ترین)» می‌شود و در ساخت آن حرف «و» به «ی» تبدیل می‌شود. در گزینه (۲) اسم تفضیل از ریشه قَوَى، «أَقْوَى (قوی‌تر، قوی‌ترین)» درست است. در گزینه (۳) اسم تفضیل از ریشه شَدَّ (ش د د)، «أَشَدَّ (محکم‌تر، محکم‌ترین)» می‌شود و در ساخت آن دو حرف شبیه به هم ادغام می‌شوند. در گزینه (۴) اسم تفضیل از ریشه ضَرَّ (ض ر ر)، «أَضْرَرَّ (مضرت‌تر، مضرت‌ترین)» و در ساخت آن دو حرف شبیه هم ادغام شده‌اند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

\* مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می‌آید.

**مثال** فَاطِمَةُ الْكُبْرَى، زَيْنَبُ الصُّعْرَى

\* اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث بر وزن «أَفْعَل» می‌آید.

**مثال** فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَبَ. ← فاطمه از زینب بزرگ‌تر است.

هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ أَفْضَلُ مِنْ تِلْكَ التَّلْمِيذَةِ. ← این دانش‌آموز برتر از آن دانش‌آموز است.

\* غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مانند «أَفْضَل» که جمع آن «أَفْاضِل» می‌باشد.

**مثال** إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ. ← هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.

(«أَرَاذِلُ» جمع مَكْسَرٍ «أُرْدَلُ» و «أَفْاضِلُ» جمع مَكْسَرٍ «أَفْضَلُ» است.)

\* اگر جمع مَكْسَرٍ بر وزن «أَفَاعِل» بر برتری دلالت نکند، اسم تفضیل نیست؛ برای اطمینان بهتر است آن را به مفرد ببریم.

**مثال**

أَصَابِعُ ← أَصْبَحَ (انگشت) / أَمَاكِنُ ← مَكَانَ (جا، مکان)؛ اسم تفضیل نیستند.

أَكْبَرُ ← أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) / أَعْظَمُ ← أَعْظَمُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)؛ اسم تفضیل هستند.

**تست ۵ عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ أَكْثَرُ:**

- (۱) إِيْرَانِ مِنْ أَجْمَلِ الْمَنَاطِقِ فِي الْعَالَمِ!  
(۲) أَصْغَرُ أَخِي أَحَبُّ الشَّخْصِ فِي أَسْرَتِنَا!  
(۳) إِنَّ جَدِّي مِنْ أَكْبَرِ قَرِيْبَتِنَا!  
(۴) «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»

**پاسخ** در گزینه (۱) «أَجْمَلُ: زیباترین» اسم تفضیل است. در گزینه (۲) «أَصْغَرُ: کوچک‌ترین» و «أَحَبُّ: دوست‌داشتنی‌ترین» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أَكْبَرُ: بزرگان» جمع مَكْسَرٍ «أَكْبَرُ» و اسم تفضیل است. در گزینه (۴) «أَحْسَنُ: بهترین» اسم تفضیل است، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

**إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)**

ترجمه الأحادیث التالیة، ثُمَّ صَعَّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (حدیث‌های زیر را ترجمه کن، سپس خطی را زیر اسم تفضیل قرار بده.)

۱. سَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

از پیامبر خدا ﷺ پرسیده شد: دوست‌داشتنی‌ترین مردم نزد خداوند کیست؟ گفت: سودمندترین مردم برای مردم.

أَحَبُّ / أَنْفَعُ: اسم تفضیل

۲. أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانشش افزود (بیافزاید).

أَعْلَمُ: اسم تفضیل

۳. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكُتُوبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برترین کارها کسب از [روزی] حلال است.

أَفْضَلُ: اسم تفضیل

\* اگر وزن «أَفْعَل» بر رنگ و عیب دلالت کند، اسم تفضیل نیست.

**مثال** أَحْمَرُ: سرخ، أبيض: سفید، أسود: سیاه، ...

أعوج: کج، أصم: کر، أبکم: لال، أعمى: کور، ...



• اگر بعدشان حرف جرّ «من» بیاید و به شکلِ صفتِ تفضیلی (صفت برتر) «خوبتر، بهتر» و «بدتر» ترجمه شوند.

**مثال** هَذَا خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ. این، خوبتر از آن است.

خُلِقَهُ شَرٌّ مِنْ أَبِيهِ. اخلاقِ او، بدتر از پدرش است.

تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

• اگر بعدشان مضاف‌الیه بیاید و به شکلِ صفتِ عالی (صفت برترین) «خوبترین، بهترین» و «بدترین» ترجمه شوند.

**مثال** خَيْرُ النَّاسِ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا. خوبترین مردم، خوش‌اخلاق‌ترینشان است.

إِنَّهُ شَرُّ النَّاسِ. به راستی او، بدترین مردم است.

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. به سوی بهترین کار بشتاب.

• اگر به تنهایی در جمله بیایند و به معنی «خوب/خوبی» و «بد/بدی» ترجمه شوند.

**مثال** هَذَا الْكَتَابُ خَيْرٌ. این کتاب، خوب است.

الرَّجُلُ الْكَاذِبُ شَرٌّ. مرد دروغگو، بد است.

• اگر حرفِ «أل» در اولشان بیاید و به معنی «خوبی» و «بدی» ترجمه شوند.

**مثال** الْخَيْرُ خَصْلَةُ الْمُؤْمِنِ. خوبی، خصلت مؤمن است.

السَّرُّ خَصْلَةُ الظَّالِمِ. بدی، خصلت ستمگر است.

اسم تفضیل هستند

❖ دو کلمه «خیر» و «شَرّ»

اسم تفضیل نیستند

**تست ۶** عَيِّنْ مَا لَيْسَ اسْمَ التَّفْضِيلِ:

(۴) أبيض / أحمر

(۳) أعز / أثقل

(۲) أذكى / أعلم

(۱) أقرب / أبعد

**پاسخ** در گزینه (۱) «أقرب: نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین - أبعد: دورتر، دورترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۲) «أذكى: باهوش‌تر، باهوش‌ترین - أعلم: داناتر، داناترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أعز: از ریشه «ع ز ز»: عزیزتر، عزیزترین - أثقل: سنگین‌تر، سنگین‌ترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۴) «أبيض: سفید/ أحمر: نادان» بر رنگ و عیب دلالت دارند و اسم تفضیل نیستند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) است.

**تست ۷** مَيِّزْ كَلِمَةَ «خَيْرٍ» اسْمَ التَّفْضِيلِ:

(۲) «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»

(۴) مَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ!

(۱) لَيْسَتْ خَيْرٌ الْمَلَابِسُ لِلضِّيَافَةِ!

(۳) الْخَيْرُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ!

**پاسخ** در گزینه (۱) بعد از «خیر» مضاف‌الیه «الملابس» آمده و به معنی «بهترین» اسم تفضیل است. در گزینه (۲) بعد از «خیراً» نه حرف جر آمده و نه مضاف‌الیه و به معنی «خوبی» است و اسم تفضیل نیست. در گزینه (۳) «الْخَيْرُ» با حرف «أل» آمده و به معنی «خوبی» است و اسم تفضیل نیست. در گزینه (۴) بعد از «خیر» نه حرف جر آمده و نه مضاف‌الیه و به معنی «خوبی» می‌باشد و اسم تفضیل نیست، بنابراین پاسخ تست گزینه (۱) است.

**ویژه علاقمندان**

❖ «أدنی» و مؤنث آن «دُنیا» به معنی «نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین/ خوارتر، خوارترین» اسم تفضیل است. البته «دُنیا» غالباً «دنیا» ترجمه می‌شود.

**مثال** مِنْ أَدْنَاهُ إِلَى أَقْصَاهُ. از نزدیک‌ترینش تا دورترینش.

❖ «أوّل» و مؤنث آن «أولی» به معنی «یکم، اولین»، هم‌چنین «آخر» و مؤنث آن «أخری» به معنی «دیگر، دیگری، بازپسین» اسم تفضیل هستند.

۱. الف و لام داشته باشد.

**مثال** خَدِيجَةٌ هِيَ الْفُضْلَى. خدیجه فاضل‌ترین است.

۲. مضاف‌الیه داشته باشد.

**مثال** خَدِيجَةٌ فَضْلَى التَّمِيذَاتِ. خدیجه فاضل‌ترین دانش‌آموزان است.

❖ اسم تفضیل طبق اسم مؤنث، در دو حالت به شکل مؤنث می‌آید

(ویژه علاقمندان)

**تست ۸** ما هو الخطأ عن اسم التفضيل في العبارات؟

- (۱) زینبُ هی الفضلی! (۲) حسینُ هو الأفضل!  
 (۳) علیُّ أفضل من حسین! (۴) فاطمةُ فضلی من زینب!

**پاسخ** در گزینه (۱) اسم تفضیل «الفضلی» با حرف «أل» آمده و مؤنث بودنش در عبارت درست است. در گزینه (۲) اسم تفضیل «الأفضل» در جمله مذکر، به صورت مذکر درست است. در گزینه (۳) اسم تفضیل «أفضل» در مقایسه بین دو اسم مذکر و به صورت مذکر درست است. در گزینه (۴) اسم تفضیل «فضلی» در مقایسه بین دو اسم مؤنث «فاطمة / زینب» آمده است باید مذکر «أفضل» بیاید، بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) است.

**إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)**

ترجم العبارات التالية. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» المؤمنون: ۱۰۹  
 ... پروردگارا، ایمان آوردیم پس ما را ببخشای (بیامرز) و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان (مهربانان) هستی.
- «خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ» رسول الله ﷺ  
 بهترین برادران شما (دوستانتان) کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد.
- «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» القدر: ۳  
 شب قدر بهتر از هزار ماه است.
- «مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ» أمير المؤمنين عليّ عليه السلام  
 هر کس شهوتش (هوس او) بر عقلش چیره شد (شود) پس او بدتر از چارپایان است.
- «شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ»  
 بدترین مردم [انسان] دورو است.

**اسم مکان**

\* اسمی که بر مکان دلالت دارد و بر سه وزن «مَفْعَل، مَفْعِل، مَفْعَلَة» می‌آید.

**مثال**

- مَفْعَل ← مَلْعَب: ورزشگاه / مَطْعَم: رستوران / مَصْنَع: کارخانه / مَطْبِخ: آشپزخانه / مَخْرَن: انبار  
 مَفْعِل ← مَنْزِل: خانه / مَسْجِد: سجده‌گاه، مسجد / مَجْلِس: شورا / مَوْقِف: ایستگاه / مَشْرِق: مشرق، خاور / مَغْرِب: مغرب، باختر  
 مَفْعَلَة ← مَكْتَبَة: کتابخانه / مَطْبَعَة: چاپخانه / مَحْكَمَة: دادگاه
- \* جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است.

**مثال**

- مَدَارِس ← مَدْرَسَة / مَلْعَب ← مَلَاعِب / مَطْعَم ← مَطَاعِم / مَنَزِل ← مَنَائِل / مَخْرَن ← مَخَاوِز
- \* اگر جمع مکسر بر وزن «مَفَاعِل» بر مکان دلالت نکند، اسم مکان نیست؛ برای اطمینان، بهتر است آن را به مفرد ببریم.

**مثال**

- مَطَالِب ← مَطْلَب (موضوع، خواسته)؛ اسم مکان نیست.  
 مَشَارِب ← مَشْرَب (سقاخانه، جای آشامیدن آب) و مُحَافِل ← مُحْفِل (محل گردهمایی، انجمن)؛ اسم مکان هستند.

**تست ۹** عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ:

- (۱) مَسَائِل (۲) مَحَامِد (۳) مَحَاضِر (۴) مَشَاكِل

**پاسخ** در گزینه (۱) «مَسَائِل» جمع مکسر «مَسْأَلَة» به معنی «مطلب، مسئله» اسم مکان نیست. در گزینه (۲) «مَحَامِد» جمع مکسر «مَحَمَدَة» به معنی «نکونامی، ستایش» اسم مکان نیست. در گزینه (۳) «مَحَاضِر» جمع مکسر و مفرد آن «مَحَضَر: مکان حاضر شدن» اسم مکان است. در گزینه (۴) «مَشَاكِل» جمع مکسر «مَشْكَل» به معنی «دشواری، سختی» اسم مکان نیست، بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) است.

إِخْتِيَرُ نَفْسِكَ (خودت را بيازماي)

تَرْجِمِ الْأَيْتِينَ وَ الْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. (دو آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱. «... وَ جَادِلْهُمْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...» النَّحْلُ: ۱۲۵

... و به روشی که بهتر است با آن‌ها بحث کن به راستی پروردگارت به کسی که از راه او گمراه شد، داناتر است ...

أَحْسَنٌ - أَعْلَمٌ: اسم تفضیل

۲. «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» الْأَعْلَى: ۱۷

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر (پاینده‌تر) است.

۳. كَانَتْ مَكْتَبَةً «جندی سابور» في خوزستان أكبر مَكْتَبَةٍ في العالم القديم.

کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان گذشته است.

خَيْرٌ - أَبْقَى: اسم تفضیل

مَكْتَبَةٍ: اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَةٌ» - أَكْبَرُ: اسم تفضیل

مکالمه

جواز (في سوق مشهد) گفت‌وگو (در بازار مشهد)

بَائِعُ الْقَلَابِسِ (فروشنده لباس‌ها)	الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ (زائر عرب)
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحَبًا بِكَ. (سلام بر شما، خوش آمدی.)	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. (سلام بر شما)
سِتُونَ أَلْفَ تومَان. (شصت هزار تومان)	كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ (قیمت این پیراهن مردانه چند است؟)
عِنْدَنَا بِشَعْرٍ خَمْسِينَ أَلْفَ تومَان. تَفَضَّلِي أَنْظُرِي.	أُرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَاظُ غَالِيَةٌ.
(به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.)	(ارزان‌تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است.)
أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَرْزُقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ بِنَفْسَجِي.	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟
(سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش.)	(چه رنگی دارید؟)
تَبْدَأُ الْأَسْعَاظُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تومَان.	بِكَمْ تومَانِ هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟
(قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار [تومان] شروع می‌شود تا هشتاد و پنج هزار تومان.)	(این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟)
سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعِيَاتِ.	الْأَسْعَاظُ غَالِيَةٌ!
(خانم، قیمت بر اساس (طبق) جنس‌ها فرق می‌کند.)	(قیمت‌ها گران است!)
السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تومَان، وَ السَّرَوَالُ النِّسَاءِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تومَان.	بِكَمْ تومَانِ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟
(شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.)	(این شلوارها چند تومان است؟)
ذَلِكَ مَتَجَرِّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ.	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.
(آن مغازه همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.)	(شلوارهایی بهتر از این‌ها می‌خواهم.)
في مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ... (در مغازه همکارش ...)	
صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تومَان. أُعْطِينِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا.	رَجَاءً، أُعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟
(قیمت دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، دویست و بیست هزار [تومان]، به من بده.)	(لطفاً، شلوازی از این نوع (جنس) به من بده و ... قیمت چقدر شد؟)

## تمرین کتاب درسی

﴿ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ ﴾ أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟)

- ۱- جَعَلَهُ حَرَامًا: (آن را حرام قرار داد.)
- ۲- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: (کسی که زنده نیست.)
- ۳- الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ: (گناهان بزرگ)
- ۴- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش قبول می‌کند.)
- ۵- تَسْمِيَةُ الْأَخْرَيْنِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: (نامیدن دیگران با نام‌های زشت.)
- ۶- ذَكَرَ مَا لَا يُرْضَى بِهِ الْأَخْرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: (آن چه دیگران در نبودنشان به آن راضی نمی‌شوند را یاد کرد.)

الْإِسْتِهْزَاءُ (ریشخند کردن)

الْمَيِّتُ (مُرده)

الْكِبَائِرُ (گناهان بزرگ)

التَّوَابُ (بسیار توبه‌پذیر)

تَنَابُرٌ بِالْأَلْقَابِ (به یکدیگر لقب‌های زشت دادن)

إِغْتَابٌ (غیبت کرد)

﴿ التَّمَرِينُ الثَّانِي ﴾ تَرْجِمُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [آن چه] خواسته شده از تو را مشخص کن.)

۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْحَبَرُ)

مبتدا خبر  
خوش‌اخلاقی نیمی از دین است.

۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)

مفعول  
هر کس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.

۳- إِنَّمَا يُعِثُّ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَالْمَفْعُولُ)

فعل ماضی مجهول مفعول  
فقط فرستاده شدم (مبعوث شدم) تا صفات برتر اخلاقی را کامل کنم.

۴- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ)

فعل ماضی فعل امر  
خدایا همان‌گونه که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان.

۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)

اسم تفضیل جارومجرور جارومجرور  
چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیک در ترازو [ی اعمال] نیست.

﴿ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ ﴾ تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ. (فعل‌ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.)

الْمَصْدَرُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْمَاضِي
إِحْسَانٌ: نیکی کردن	أَحْسِنْ: نیکی کن	يُحْسِنُ: نیکی می‌کند	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است
إِقْتِرَابٌ: نزدیک شدن	لا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می‌شوند	إِقْتَرَبَ: نزدیک شد
إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن	لا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	إِنْكَسَرَ: شکسته شد
إِسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن	إِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست
مُسَافَرَةٌ: سفر کردن	لا تُسَافِرْ: سفر نکن	لا يُسَافِرُ: سفر نمی‌کند	ما سَافَرْتُ: سفر نکردم
تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می‌گیرند	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تَبَادُلٌ: عوض کردن	لا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می‌کنید	تَبَادَلْتُ: عوض کردید
تَعْلِيمٌ: آموزش دادن	عَلِّمْ: آموزش بده	سَوْفَ يَعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است

﴿ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ ﴾ اَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ. (عملیات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.)

۱۰ + ۴ = ۱۴

۱- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

(ده به اضافه چهار مساوی است با چهارده.)

۱۰۰ ÷ ۲ = ۵۰

۲- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

(صد تقسیم بر دو مساوی است با پنجاه.)

۸ × ۳ = ۲۴

۳- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ.

(هشت ضرب در سه مساوی است با بیست و چهار.)

۷۶ - ۱۱ = ۶۵

۴- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِضٌ أَحَدٌ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ.

(هفتاد و شش منهای یازده مساوی است با شصت و پنج.)

﴿ التَّمَرِينُ الْخَامِسُ ﴾ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ. (نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

(پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد. (نازل کرد.))

۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ۲۶

مفعول مجرور به حرف جر

(خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.)

۲- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶

فاعل مفعول

(سکوت طلا و سخن گفتن نقره است.)

۳- اَلسُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مبتدا خبر

(محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترین آن ها برای بندگان است.)

۴- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْعَمُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مبتدا مضاف الیه

مجرور خبر

به حرف جر

(دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.)

۵- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

مبتدا خبر مجرور به حرف جر

﴿ التَّمَرِينُ السَّادِسُ ﴾ تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

(ترکیب ها و جمله های زیر را ترجمه کن، سپس اسم فاعل و اسم مفعول، و اسم مبالغه، و اسم مکان، و اسم تفضیل را مشخص کن.)

المَشْرِقُ - المَغْرِبُ: اسم مکان

۱- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: الشُّعْرَاءُ: ۲۸

پروردگار مشرق و مغرب

عَلَامٌ: اسم مبالغه

۲- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾: المَائِدَةُ: ۱۰۹

قطعاً تو بسیار دانای نهایان هستی.

مَرَقَدٌ: اسم مکان - المُرْسَلُونَ: اسم مفعول

۳- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرَقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: یس: ۵۲

چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! این چیزی است (همان است) که [خداوند] رحمان وعده داد و فرستاده شدگان (پیامبران) راست گفتند.

المُحْسِنِينَ (مفرد: المُحْسِنُ): اسم فاعل

۴- يَا مَنْ يُجِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد.

أَرْحَمُ: اسم تفضیل - الرَّاحِمِينَ (مفرد: الرَّاحِمُ): اسم فاعل

۵- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. (ای مهربان ترین مهربانان)

سَاتِرٌ: اسم فاعل - مَعْيُوبٌ: اسم مفعول

۶- يَا سَاتِرُ كُلِّ مَعْيُوبٍ:

ای پوشاننده هر عیب داری.

عَفَّارٌ: اسم مبالغه

۷- يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ:

ای بسیار آمرزنده گناهان.

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. (کلمه غریبه در هر مجموعه را مشخص کن.)

- |   |  |   |  |
|---|--|---|--|
| <input type="checkbox"/> صَبَاحٌ              | <input type="checkbox"/> مَسَاءٌ           | <input type="checkbox"/> لَيْلٌ             | <input checked="" type="checkbox"/> مَيِّتٌ  |
| صبح   | عصر  | شب  | مرده   |
| <input type="checkbox"/> عَجَبٌ               | <input checked="" type="checkbox"/> لَحْمٌ | <input type="checkbox"/> فُسُوقٌ            | <input type="checkbox"/> إِثْمٌ              |
| خودپسندی                                      | گوشت                                       | آلوده شدن به گناه                           | گناه   |
| <input checked="" type="checkbox"/> كِبَائِرٌ | <input type="checkbox"/> نِسَاءٌ           | <input type="checkbox"/> رِجَالٌ            | <input type="checkbox"/> أَوْلَادٌ           |
| گناهان بزرگ                                   | زنان                                       | مردان                                       | فرزندان                                      |
| <input type="checkbox"/> سَخِرَ               | <input type="checkbox"/> عَابَ             | <input checked="" type="checkbox"/> سَاعَدَ | <input type="checkbox"/> لَمَزَ              |
| مسخره کرد                                     | عیب جویی کرد                               | کمک کرد                                     | عیب گرفت                                     |
| <input checked="" type="checkbox"/> أَحْمَرٌ  | <input type="checkbox"/> أَحْسَنَ          | <input type="checkbox"/> أَجْمَلَ           | <input type="checkbox"/> أَصْلَحَ            |
| سرخ   | نیکوتر، بهترین                             | زیباتر، زیباترین                            | شایسته‌تر، شایسته‌ترین                       |
| <input type="checkbox"/> أَضْفَرٌ             | <input type="checkbox"/> أَرْزَقَ          | <input type="checkbox"/> أَبْيَضَ           | <input checked="" type="checkbox"/> أَكْثَرَ |
| زرد   | آبی  | سفید  | بیش‌تر، بیش‌ترین                             |

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ

ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (در جای خالی کلمه‌ای مناسب بگذار.)

- ۱- اِسْتَرَيْنَا ..... وَ فَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ.  
در مغازه شلوارها و پیراهن‌های زنانه را با قیمت‌هایی ارزان خریدیم.
- ۲- مَنْ ..... الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِمْ.  
هر کس غیبت مؤمنان را کند باید از آن‌ها عذر بخواهد.
- ۳- خَمْسَةٌ وَ سِتُّونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي .....  
شصت و پنج منهای بیست و سه مساوی است با چهل و دو.
- ۴- أَرَادَ الْمُشْتَرِي ..... السَّعْرِ.  
مشتری تخفیف قیمت را خواست.
- |  |  |  |
|--|--|--|
| <input checked="" type="checkbox"/> سَرَاوِيلٌ               | <input type="checkbox"/> أَشْهُرًا             | <input type="checkbox"/> مَوَاقِفَ               |
| شلوارها  | ماه‌ها   | ایستگاه‌ها                                       |
| <input checked="" type="checkbox"/> إِغْتَابَ                | <input type="checkbox"/> إِتَقَى               | <input type="checkbox"/> مَدَحَ                  |
| غیبت کرد   | پروا کرد                                       | ستود، ستایش کرد                                  |
| <input checked="" type="checkbox"/> إِثْنَيْنِ وَأَرْبَعِينَ | <input type="checkbox"/> إِثْنِينَ وَسَبْعِينَ | <input type="checkbox"/> أَرْبَعَةً وَ عِشْرِينَ |
| چهل و دو   | هفتاد و دو                                     | بیست و چهار                                      |
| <input type="checkbox"/> نَوْعِيَّةٌ                         | <input type="checkbox"/> مَتَجَرٌّ             | <input checked="" type="checkbox"/> تَخْفِيضٌ    |
| جنس  | مغازه  | تخفیف  |

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)

اِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.  
(پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح استخراج کن.)



# اول

## پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس

### واژگان

#### ■ أجبِ الأسئلةَ عَنِ الْمُفْرَدَاتِ وَ الْجَوَارِ

- ۱- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ»
- (۱) می‌دانم (۲) دانا (۳) دانست (۴) داناتر
- ۲- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ: «إِنَّ الْعَمَلَ أَقْدَسُ مَا فِي حَيَاةِ الْإِنْسَانِ!»
- (۱) مقدس (۲) مقدس‌ترین (۳) مقدس‌تر (۴) پاک شد
- ۳- «عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ.» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ:
- (۱) خوب (۲) خوب‌ترین (۳) خوبی (۴) خوب‌تر
- ۴- «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ:
- (۱) بزرگ (۲) بزرگی (۳) بزرگ‌تر (۴) بزرگ‌ترین
- ۵- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ كَلِمَةِ «إِثْمٌ» فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»:
- (۱) گمان (۲) تهمت (۳) گناه (۴) سرکشی
- ۶- عَيِّنِ الْأَنْسَبَ لِلْفَرَاغِ: «..... ، إِيْتِهَامٌ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ!»
- (۱) التَّجَسُّسُ (۲) سوء الظَّنِّ (۳) الظُّلْمُ (۴) الفُسُوقُ
- ۷- عَيِّنِ غَيْرَ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ: «حَرَّمَ اللَّهُ..... لِلنَّاسِ»
- (۱) الإِسْتِهْزَاءُ (۲) الْغَيْبَةُ (۳) الْخَيْرُ (۴) سُوءُ الظَّنِّ
- ۸- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ مِنْ هَذِهِ الْمَصَادِرِ: «إِقْتِرَابٌ: نَزْدِيكٌ شَدَنَ / تَعَلَّمَ: يَادُ غَرَفْتَنَ / تَبَادُلٌ: عَوْضُ كَرَدَنَ / إِنْكَسَارٌ: شَكْسْتَه شَدَنَ»
- (۱) كانا يقتربان: نزدیک می‌شدند!  
(۲) أَنْ تَتَعَلَّمَ: که یاد می‌گیری!  
(۳) سَأْتَبَادُلُ: عوض خواهد کرد!  
(۴) إِنْكَسَرْتُمْ: شکسته شوید!
- ۹- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ مِنْ هَذِهِ الْمَصَادِرِ: «تَلْقَيْبٌ: لِقَبُ دَادَنَ / إِسْتِهْزَاءٌ: رِيْشَخْدَنَ كَرَدَنَ / تَسْمِيَةٌ: نَامِيْدَنَ / إِغْتِيَابٌ: غَيْبَتُ كَرَدَنَ»
- (۱) ما كَانَ يُلْقَبُ: لقب نداد!  
(۲) كانوا لا يَغْتَابُونَ: غیبت نمی‌کردند!  
(۳) يُسَمَّى: می‌نامد!  
(۴) لا تَسْتَهْزِؤُوا: ریشخند نکردید!
- ۱۰- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الْفِعْلَيْنِ فِي هَذِهِ الْحَدِيثِ: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!»
- (۱) فرستاد / تا کامل شود! (۲) فرستادم / تا کامل کنم! (۳) فرستاده شدم / تا کامل کنم! (۴) فرستادم / تا کامل شوم!
- ۱۱- عَيِّنِ الْخَطَأَ لِتَرْجَمَةِ التَّرَاكِيْبِ التَّالِيَةِ:
- (۱) يا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ: ای مهربان مهربانان!  
(۲) يا عَلَّامَ الْغُيُوبِ: ای بسیار دانای نهان‌ها!  
(۳) يا غَافِرَ الْخَطَايَا: ای آمرزنده خطاها!  
(۴) يا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ: ای پوشاننده هر عیب‌داری!
- ۱۲- عَيِّنِ الْخَطَأَ لِتَرْجَمَةِ التَّرَاكِيْبِ التَّالِيَةِ:
- (۱) يا أَسْرَعَ الْحَابِسِينَ: ای سریع‌ترین شمارندگان!  
(۲) يا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ: ای بزرگ‌تر از هر بزرگی!  
(۳) يا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ: ای بهتر از نیکوکاران!  
(۴) يا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ: ای بالا برنده مرتبه‌ها!

۱. واژگان، لغتها

۱۳- «أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسُونَ زَائِدٌ ثَلَاثَةٌ وَ أَرْبَعِينَ يُسَاوِي سَبْعَةً وَ تِسْعِينَ»: ما هُوَ الصَّحِيحُ لِتَرْجَمَةِ الأَعْدَادِ:

- (۱) چهل و پنج / چهل و سه / هشتاد و هشت  
 (۲) پنجاه و چهار / چهل و سه / نود و هفت  
 (۳) چهل و چهار / سی و چهار / هفتاد و هشت  
 (۴) پنجاه و پنج / سی و چهار / هشتاد و نه

۱۴- «أَخَذْتُ ثَلَاثَةَ كُتُبٍ مِنْ مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ؛ فِي خَمْسَةِ أَيَّامٍ قَرَأْتُ السِّطْرَ التَّاسِعَ عَشَرَ مِنَ الصَّفْحَةِ السَّادِسَةِ مِنَ الْكِتَابِ الثَّانِي.» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِتَرْجَمَةِ الأَعْدَادِ:

- (۱) سه / پنجم / نوزدهم / ششم / دوم  
 (۲) سوم / پنج / نوزده / ششم / دوم  
 (۳) سه / پنج / نوزدهم / ششم / دوم  
 (۴) سوم / پنجم / نوزده / شش / دو

۱۵- عَيِّنِ الخَطَأَ عَنِ مُتَضَادِّ الكَلِمَاتِ:

- (۱) الخَيْرُ ≠ الشَّرُّ (۲) القَبِيحَةُ ≠ الجَمِيلَةُ (۳) خَفِيٌّ ≠ سَتِيرٌ (۴) اِبْتَعَدَ ≠ اِقْتَرَبَ

۱۶- عَيِّنِ الخَطَأَ عَنِ مُتَرَادِفِ الكَلِمَاتِ:

- (۱) الحُسْنُ = الخَيْرُ (۲) غَالِي = زَخِيصٌ (۳) الإِثْمُ = الذَّنْبُ (۴) عَابَ = لَمَزَ

۱۷- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (۱) كَرِهَ = فَسَقَ (۲) حَرَّمَ = أَحَلَّ (۳) حَيٌّ = مَيِّتٌ (۴) عَسَى = زَيَّمَا

۱۸- أَيُّ مُنْتَخَبٍ خَطَأٌ لِلعِبَارَاتِ:

- (۱) أَلْسَعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الآخَرِينَ: (الْتَجَسَّسُ)  
 (۲) ذِكْرُ عِيُوبِ الآخَرِينَ بِدُونِ حُضُورِهِمْ: (العَيْبَةُ)  
 (۳) ذِكْرُ الكَلِمَاتِ القَبِيحَةِ لِاحْتِقَارِ الآخَرِينَ: (سوء الظَّنِّ)  
 (۴) ذِكْرُ النَّدَمِ بَعْدَ عَمَلِ سَيِّئٍ وَ السَّعْيِ لِتَعْوِيضِهِ: (التَّوْبَةُ)

۱۹- مَنْ يَدْخُلُ المَتَجَرَ وَ يَسْأَلُ أَسْعَارَ السَّرَاوِيلِ مِنَ البَائِعِ فَيَقُولُ لَهُ البَائِعُ: ..... عَيِّنِ الجَوَابَ عَيْرَ المُنَاسِبِ:

- (۱) السَّرْوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تومَان!  
 (۲) سِعْرُ تِلْكَ الفُسْتَانِ خَمْسَةٌ وَ سِتُونَ أَلْفَ تومَان!  
 (۳) السَّرْوَالُ النِّسَائِيُّ بِسَبْعَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ تومَان!  
 (۴) الأَسْعَارُ مِنَ خَمْسَةِ وَ أَرْبَعِينَ أَلْفًا إِلَى تِسْعِينَ أَلْفَ تومَان!

ترجمه و مفهوم

■ عَيِّنِ الأنسب للجواب عن التَّرجمة أو المفهوم من أو إلى العربيَّة

۲۰- «قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ أَحَدٌ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ العُجْبِ!»

- (۱) کسی از بین مردم، بهترین است، پس بر ماست که از خودپسندی دور شویم!  
 (۲) گاهی بین مردم، کسی می‌باشد که او بهتر از ماست، پس بر ماست که از خودپسندی دور شویم!  
 (۳) کسی بین مردم، بهتر از ما می‌باشد، پس باید خودمان را از خودپسندی دور کنیم!  
 (۴) گاهی بین مردم، کسی بهتر از ماست، پس باید خودپسندی از ما دور شود!

۲۱- «كَانَتِ السَّائِحَاتُ يَذْهَبْنَ إِلَى أَكْبَرِ مَكْتَبَةِ خوزستان فِي العَالِمِ القَدِيمِ»: گردشگران .....

- (۱) به بزرگ‌ترین کتابخانه خوزستان در جهان قدیم می‌روند!  
 (۲) به کتابخانه بزرگ خوزستان در دنیای قدیم می‌رفتند!  
 (۳) به بزرگ‌ترین کتابخانه خوزستان در جهان قدیم می‌رفتند!  
 (۴) به کتابخانه بزرگ‌تر خوزستان در دنیای قدیم می‌روند!

۲۲- «أَيُّ حَيْبٍ أَحَدَكُمُ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أُخِيهِ مَبِينًا فَكِرْهُمُوهُ»:

- (۱) آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادرش را [که] مرده، بخورد پس از آن کراهت دارید!  
 (۲) آیا کسی دوست می‌داشت که گوشت برادرش را [که] مرده، بخورد پس از آن کراهت دارید!  
 (۳) آیا کسی از شما دوست داشت که گوشت برادرش را [که] مرده، می‌خورد پس از آن کراهت دارید!  
 (۴) آیا کسی دوست می‌دارد که گوشت برادر را [که] مرده، بخورد پس از آن کراهت دارید!



۲۳- «أنا و أخي الأَكْبَرُ لا نَذْكُرُ عُيُوبَ أَصْدِقَائِنَا بِكَلَامٍ حَفِيٍّ وَ سَوْفَ لا نَتَجَسَّسُ فِي أُمُورِهِمْ!»:

- ۱) من و برادر بزرگم عیب دوستانمان را با سخنی پنهان یاد نمی‌کنیم و در کارهایشان جاسوسی نخواهیم کرد!
- ۲) من و برادر بزرگ‌ترم عیب‌های دوستانمان را با سخنی پنهان یاد نمی‌کنیم و در کارهایشان جاسوسی نخواهیم کرد!
- ۳) من و بزرگ‌ترین برادرم عیب‌های دوستم را با سخنی پنهان یاد نکردیم و در کارهایشان جاسوسی نکردیم!
- ۴) من و برادرم بزرگ هستیم عیب‌های دوستانمان با سخنی پنهان یاد نمی‌شود و در کارهایشان جاسوسی نخواهد شد!

۲۴- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ»: ای کسانی که ایمان آوردید.....

- ۱) چرا مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند می‌کنند، شاید که آن‌ها بهتر از خودشان باشند!
- ۲) نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند کنند، شاید که آن‌ها بهتر از خودشان باشند!
- ۳) قومی، قوم [دیگر] را ریشخند نکنید، شاید که آن‌ها بهترینشان باشند!
- ۴) نباید قومی، قومی [دیگر] را ریشخند می‌کرد، شاید که آن‌ها بهتر از خودشان بودند!

۲۵- «جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ»:

- ۱) شما را ملت و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند کسی است که تقوا پیشه کند!
- ۲) شما را ملت و قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست!
- ۳) شما را ملت‌هایی و قبیله‌هایی قرار دادیم تا دیگران را بشناسید به راستی نزد خداوند باتقواترین شما گرامی است!
- ۴) شما را ملت‌هایی و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست!

۲۶- «بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»:

- ۱) بد نامی است فسق بعد از ایمان؛ و کسانی که توبه نکنند پس اینان همان ستمکاران هستند!
- ۲) آلوده شدن به گناه بعد از ایمان اسم خوبی نیست؛ و کسانی که توبه نمی‌کنند پس آنان همان ستمکاران هستند!
- ۳) بد اسمی است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان؛ و هر که توبه نکند پس آنان همان ستمکاران هستند!
- ۴) آلوده شدن به گناه بعد از ایمان نام بدی است؛ و کسی که توبه نمی‌کند پس او همان ستمکار هستند!

۲۷- «وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»:

- ۱) و از صدایت بکاه، زیرا بدترین صداها قطعاً صدای خران است!
- ۲) و از صدایش کاست، زیرا از بدترین صداها قطعاً صدای خران است!
- ۳) و از صدایتان بکاهید، زیرا بدترین صداها قطعاً صدای خران است!
- ۴) و از صدایت بکاه، زیرا از میان صداها قطعاً خر صدای بدی دارد!

۲۸- «في هَاتَيْنِ الْآيَاتِينَ يُحَرِّمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِينَ وَ تَسْمِيَتُهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ»: در این دو آیه.....

- ۱) ریشخند کردن دیگران و نام نهادنشان با اسم‌های زشت حرام شده است! ۲) مسخره کردن یکدیگر و نام‌گذاری با اسم‌های زشت حرام می‌شود!
- ۳) ریشخند کردن دیگری و نام نهادن با اسم زشت حرام شده است! ۴) ریشخند کردن دیگران و نامیدنشان با اسم‌های زشت حرام می‌شود!

۲۹- «إِنَّ يَلْعَمُ النَّاسُ أَنَّ الْعَبِيَّةَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُّلِ بَيْنَهُمْ لا يَفْعَلُوا هَذَا الْعَمَلَ الْقَبِيحَ»:

- ۱) اگر مردم بدانند که غیبت از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان آن‌ها است این کار زشت را انجام نمی‌دهند!
- ۲) همانا مردم می‌دانند که غیبت از علت‌های مهم قطع ارتباط میانشان است پس آن کار زشت را انجام نمی‌دهند!
- ۳) اگر مردم می‌دانستند غیبت از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میانشان است این کار زشت را انجام نمی‌دادند!
- ۴) اگر مردم بدانند که غیبت مهم‌ترین علت قطع ارتباط میان آن‌ها است این کار زشت را انجام نمی‌دهند!

۳۰- «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ يَزِيدُ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ»:

- ۱) مردم کسی را که علم مردم را به علم خود می‌افزاید، دانا می‌دانند! ۲) داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود می‌افزاید!
- ۳) مردمی که علم مردم دیگر را به علم خودشان می‌افزایند، دانا می‌دانم! ۴) داناترین مردم کسانی هستند که دانش دیگران را به علمشان می‌افزایند!

۳۱- «الْمُتَجَسَّسُونَ سَيَحَاوِلُونَ لِكَشْفِ أَسْرَارِ جِيرَانِهِمْ أَوْ أَقْرَبَائِهِمْ لِيَفْضَحُوهُمْ!» جاسوسان برای کشف.....

- ۱) راز همسایگان‌شان یا نزدیکان خود تلاش خواهند کرد تا آن‌ها را رسوا کنند!
- ۲) رازهای همسایگان یا خویشاوندان خود تلاش می‌کنند و آن‌ها را رسوا می‌کنند!
- ۳) رازهای همسایگان‌شان یا خویشاوندان‌شان تلاش خواهند کرد تا آن‌ها را رسوا کنند!
- ۴) راز همسایه‌شان یا خویشاوندان‌شان تلاش کردند تا آن‌ها را رسوا کنند!

### ۳۲- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ: هر کس خلقش بد شود خودش را عذاب می‌دهد.
- ۲) النَّدَمُ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ: پشیمانی بر سکوت کردن بهتر از پشیمانی بر سخن گفتن است.
- ۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْحَسَنِ: در ترازو چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.
- ۴) سَمَّيْتُ سُورَةَ الْحَجَرَاتِ سُورَةَ الْأَخْلَاقِ: سوره حجرات را سوره اخلاق نامیدند.

### ۳۳- عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) تَنْصَحُنَا الْآيَةَ الْأُولَى: اول آیه ما را نصیحت می‌کند،
- ۲) وَ تَقُولُ لَا تَعَيْبُوا الْآخَرِينَ: و می‌گویند عیب‌جویی یکدیگر را نکنید،
- ۳) وَ لَا تُلْقِبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا: و با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، ایشان را لقب ندهید،
- ۴) وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ! و هر کس این را انجام دهد پس او از ستمگران است.

### ۳۴- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) أَكْبَرَ الْحَمَقِ الْإِعْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الذَّمِّ! بزرگ‌ترین نادانی زیاده‌روی در ستایش و سرزنش است!
- ۲) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ! بدترین مردم، دارای دو رو است!
- ۳) الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ! همنشین درستکار بهتر از تنهایی است!
- ۴) حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ! به سوی کار خوب بشتاب!

### ۳۵- عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) **﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾**: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگار فرا بخوان،
- ۲) **﴿وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾**: و با آن‌ها به روشی نیکو ستیز کن،
- ۳) **﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾**: به راستی پروردگارت، می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است،
- ۴) **﴿وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾**: و او به هدایت‌شدگان داناتر است!

### ۳۶- عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) الْمُؤْمِنُونَ يَتَّقُونَ اللَّهَ لِأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ! مؤمنان از خدا پروا می‌کنند زیرا خداوند توبه‌پذیر مهربان است!
- ۲) قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا! بین مردم کسی است که او بهتر از ماست!
- ۳) خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يُسَاعِدُ الْآخَرِينَ! بهترین مردم کسی است که به دیگران کمک می‌کند!
- ۴) لِكُلِّ فَصْلٍ ثَلَاثَةٌ أَشْهُرٍ! هر فصلی سه ماه است!

### ۳۷- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) أُرِيدُ اللَّهَ أَنْ يُحَسِّنَ خُلُقِي! از خداوند خواستم که خوی مرا نیکو کند!
- ۲) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ! به راستی خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد!
- ۳) يَعْتَقِدُ الْمَظْلُومُونَ أَنَّ اللَّهَ أَسْمَعُ السَّامِعِينَ! ستم‌پدگان اعتقاد دارند که خداوند شنواترین شنوندگان است!
- ۴) عِنْدَمَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ أَحْسَسُ السَّكِينَةَ فِي قَلْبِي! هنگامی که قرآن خوانده می‌شود آرامش را در قلبم احساس می‌کنم!

### ۳۸- عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) الْغَيْبَةُ وَ التَّجَسُّسُ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ! غیبت و جاسوسی از بزرگ‌ترین گناهان هستند!
- ۲) قَدْ نَسَى أَنَّ اللَّهَ سَتَّارُ الْغَيْبِ! گاهی فراموش می‌کنیم که خداوند پوشاننده عیب‌ها است!
- ۳) **﴿قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾**: بگو آن را کسی فرستاد که راز در آسمان‌ها و زمین را می‌داند!
- ۴) كَاتِمِ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ! پوشاننده علم، هر چیزی را او لعنت می‌کند!

### ۳۹- عَيْنِ الْأَنْسَبِ فِي الْمَفْهُومِ لِعِبَارَةِ «عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ!»:

- ۱) از کوزه همان برون تراود که در اوست!
- ۲) دشمن دانا به از دوست نادان!
- ۳) جاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی!
- ۴) زخم زبان از زخم شمشیر بدتر است!

٤٠- عَيْنِ الْأَقْرَبِ فِي الْمَفْهُومِ لِعِبَارَةِ «خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ!»:

- (١) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ!  
 (٢) أَحْسَنُ إِلَى النَّاسِ تَسْتَعْبُدُ قُلُوبَهُمْ!  
 (٣) صَدِيقُكَ مَنْ صَدَقَكَ لَا مَنْ صَدَّقَكَ!  
 (٤) عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!

### درك مطلب

■ افْرَأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنْاسِبُ النَّصَّ

«قَدْ يَكُونُ بَيْنَ الْأَصْدِقَاءِ أَوْ الزَّمَلَاءِ مِنْ هُمْ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ. عَلَيْنَا أَحْسَنُ أَنْ نَجْعَلَهُمْ أَسْوَأَ لِلْوُصُولِ إِلَى أَهْدَانَا الْعَالِيَةِ وَ تَرْبِيدِ مِنْهُمُ أَنْ يُسَاعِدُونَا فِي هَذَا الطَّرِيقِ لِنَنْجَحَ. حَسَنُ الظَّنِّ يُسَبِّبُ أَنْ نَعْتَمِدَ بِأَصْدِقَائِنَا وَ زَمَلَانِنَا فِي الْحَيَاةِ وَ لَا تَنْتَهَمَهُمْ بِدُونِ دَلِيلٍ فَتُشَاهِدُ الْخَيْرَاتِ وَ نَجْتَنِبُ مِنْ سُوءِ الظَّنِّ وَ التَّجَسُّسِ فِي أَعْمَالِ الْآخَرِينَ.

لِكُلِّ أَحَدٍ عُيُوبٌ وَ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَذْكُرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ فِي غِيَابِهِمْ بِكَلَامٍ خَفِيِّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. الْعَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. مَنْ يَشْخَرُ مِنَ الْآخَرِينَ وَ يُلَقِّبُهُم بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ وَ يَتَّجَسَّسُ فِي أُمُورِهِمْ يَفْعَلُ الذَّنُوبَ الْكَبِيرَةَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ عَلَيْهِ أَنْ يَتُوبَ مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ. قَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِنْهُ.»

٤١- عَيْنِ الْخَطَا حَسَبِ النَّصِّ:

- (١) عَلَيْنَا أَحْسَنُ أَنْ نَجْتَنِبَ عَنِ التَّجَسُّسِ!  
 (٢) سُوءُ الظَّنِّ سَبَبٌ اعْتِمَادِنَا فِي الْحَيَاةِ!  
 (٣) لَيْسَ بِدُونِ الْعَيْبِ أَحَدًا! (لَا أَحَدٌ دُونَ الْعَيْبِ!)  
 (٤) بَعْضُ الْأَصْدِقَاءِ أَحْسَنُ مِنَّا!

٤٢- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (١) التَّجَسُّسُ فِي حَيَاةِ النَّاسِ مِنَ الذَّنُوبِ الْكَبِيرَةِ!  
 (٢) لَيْسَ اسْتِهْزَاءُ الْآخَرِينَ مِنَ الْكِبَارِ!  
 (٣) ذَكَرُ الْعُيُوبِ فِي غِيَابِ الْآخَرِينَ خَيْرٌ مِنْ سِتْرِهَا!  
 (٤) لِلْإِنْسَانِ أَحْسَنُ أَنْ يَتَّهَمَ أَصْدِقَاءَهُ بِدُونِ دَلِيلٍ!

٤٣- عَلَى حَسَبِ النَّصِّ «..... مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:

- (١) التَّجَسُّسُ (٢) سُوءُ الظَّنِّ (٣) الْعَيْبَةُ (٤) الْإِسْتِهْزَاءُ

٤٤- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيِنَةِ فِي النَّصِّ:

- (١) نَشَاهِدُ: فَعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلْمَتَكَلَّمِ مَعَ الْغَيْرِ - مَجْهُولٌ - مَزِيدٌ ثَلَاثِي (مصدره: مُشَاهَدَةٌ)  
 (٢) يَتَّجَسَّسُ: فَعْلٌ مَعْلُومٌ - مَزِيدٌ ثَلَاثِي (مصدره على وزن «تفعيل») - لِلْغَائِبِ  
 (٣) أَعْمَالٌ: إِسْمٌ - جَمْعٌ مَكْسَرٌ (مفرده «عامل») - مَذْكَرٌ  
 (٤) أَهَمٌّ: إِسْمٌ تَفْضِيلِي (مِن مَادَّةِ «ه م م») - مَفْرُدٌ - مَذْكَرٌ

«إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَخْلُو مِنَ الْمَتَاعِ وَالْمَشَاكِلِ، وَالْإِنْسَانُ يُوَجِّهُهُ فِي حَيَاتِهِ الْمَشْكَالَاتِ دَائِمًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ خُلُقٌ حَسَنٌ حَتَّى لَا يَكُونَ وَحِيدًا. رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ الْأَكْرَمِ (ﷺ) أَنَّ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ وَالْآخَرِينَ وَ لَكِنَّ حَسَنَ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوْدَةَ. كُلُّ شَيْءٍ فِي الطَّبِيعَةِ بِاسْمٍ. فَالزَّهْرُ بِاسْمٍ وَ الْغَابَاتُ وَ الْبِحَارُ وَ الْأَنْهَارُ وَ السَّمَاءُ وَ النُّجُومُ وَ الطُّيُورُ كُلُّهَا بِاسْمَةٍ وَ الْإِنْسَانُ كَذَلِكَ بِاسْمٍ بِطَبِيعِهِ. كُلُّ إِنْسَانٍ يَرَى الدُّنْيَا مِنْ خِلَالِ خُلُقِهِ وَ فِكْرِهِ، مَنْ حَسَنَ خُلُقُهُ حَفِظَ دِينَهُ وَ سَهَّلَتْ لَهُ طُرُقَ الْعَيْشِ فَيَرَى الدُّنْيَا وَ مَخْلُوقَاتِهِ جَمِيلًا كَمَا خُلِقَتْ. مَنْ كَانَ لَهُ خُلُقٌ سُوءٌ يَفْقِدُ أَصْدِقَاءَهُ لِأَنَّهُمْ لَا يُشَاهِدُونَ عَمَلَهُ الْخَيْرِ بِسَبَبِ سُوءِ خُلُقِهِ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ): «سُوءُ الْخُلُقِ يُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلَّ الْعَسَلَ.» إِذَا طَلَبْتَ الْإِيْتِسَامَ لِلْحَيَاةِ فَحَارِبْ سُوءَ الْخُلُقِ. رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ (ﷺ) أَنَّهُ قَالَ: «لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.» وَ قَالَ أَيْضًا «التَّقْوَى وَ حَسَنُ الْخُلُقِ سَبَبٌ ذَهَابِ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ.»

٤٥- عَيْنِ الْخَطَا حَسَبِ النَّصِّ: مِنْ رَأْيِ النَّبِيِّ (ﷺ).....

- (١) سُوءُ الْخُلُقِ سَبَبٌ فِسَادِ الْعَمَلِ!  
 (٢) يَذْهَبُ<sup>٢</sup> حَسَنُ الْخُلُقِ بِالْأُمَّةِ إِلَى الْجَنَّةِ فَقَطًا!  
 (٣) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ!  
 (٤) أَنْقَلُ الشَّيْءَ فِي الْمِيزَانِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ!

٤٦- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (١) تُشَاهِدُ أَعْمَالَ الْخَيْرِ بِسَبَبِ سُوءِ الْخُلُقِ!  
 (٢) قَدْ يَلْزَمُ سُوءُ الْخُلُقِ فِي الْحَيَاةِ!  
 (٣) مَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ لَا يَرَى الدُّنْيَا جَمِيلًا!  
 (٤) دِينُ الْمُؤْمِنِ يَحْفَظُ بِحَسَنِ الْخُلُقِ!

١. خندان

٢. سرکه

٣. يذهب ب: می برد

۴۷- عَلَى حَسَبِ النَّصِّ..... عَيَّنِ الْخَطَأَ:

- (۱) بَرَى الْإِنْسَانُ الدُّنْيَا مِنْ خِلَالِ خَلْقِهِ وَفِكْرِهِ!  
(۳) سَوْءُ الْخُلُقِ فِي الْعَمَلِ يُشْبِهُ بِالْعَسَلِ!

۴۸- عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِلكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ فِي النَّصِّ:

- (۱) الْغَابَاتُ: الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ - الْمُؤَنَّثُ / الْمُبْتَدَأُ  
(۳) الْإِبْتِسَامُ: الْمَصْدَرُ - مِنْ بَابِ «إِفْتَعَالٍ» / الْفَاعِلُ

- (۲) حُسْنُ الْخُلُقِ يَسَهِّلُ طُرُقَ الْحَيَاةِ!  
(۴) حُسْنُ الْخُلُقِ يَثْبُتُ الْمُؤَدَّةَ بَيْنَ النَّاسِ!

- (۲) الدُّنْيَا: إِسْمُ التَّفْضِيلِ - الْمُؤَنَّثُ / الْمَفْعُولُ  
(۴) حَارِبٌ: الْفِعْلُ الْمَاضِي - مَصْدَرُهُ «مُحَارَبَةٌ» / فِعْلٌ وَ مَعَ فَاعِلِهِ جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ

قواعد

■ عَيَّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ

۴۹- عَيَّنِ جَوَاباً كُلَّ كَلِمَاتِهِ الْجَمْعَ الْمَكْسَرُ:

- (۱) أَخْلَاقٌ / مُفَسَّرِينَ / لُحُومٌ / مَلَايِبُ  
(۳) كِبَائِرُ / مَطَاعِمٌ / أَسْبَابٌ / مَوْتَى

۵۰- عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنِ صِيَاغَةِ الْجَمْعِ الْمَكْسَرِ:

- (۱) فُسْتَانٌ ← فُسَاتِينَ (۲) عَالِمٌ ← أَعْلَمَ

۵۱- عَيَّنِ عِبَارَةً مَاجَاءَ فِيهَا جَمْعٌ مَكْسَرٌ:

- (۱) لَا تَذْكُرْ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ!  
(۳) لَا تَلْقُبُوهُمْ بِالْقَابِ بِكَرْهُونَهَا!

۵۲- عَيَّنِ مَا لَيْسَ اسْمَ التَّفْضِيلِ:

- (۱) أَكْثَرُ (۲) أَشْجَعُ (۳) أَعْلَمُ (۴) أَرْزَقُ

۵۳- عَيَّنِ مَا لَيْسَ اسْمَ الْمَكَانِ:

- (۱) مَكَاتِبُ (۲) مَلَايِبُ (۳) مَنَافِعُ (۴) مَعَامِلُ

۵۴- مَا هُوَ الْخَطَأُ؟

- (۱) أَدْنَى ← دُنْيَا (۲) آخِرُ ← آخَرَى (۳) أَعْظَمُ ← عَظْمَى (۴) أَحْسَنُ ← حُسْنَى

۵۵- عَيَّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ:

- (۱) مَاشِيَةٌ (۲) مَائِدَةٌ (۳) مُسَافِرَةٌ (۴) مُحَاوَلَةٌ

۵۶- مَبْيُزِ الْخَطَأَ حَسَبَ قَوَاعِدِ صِيَاغَةِ اسْمِ الْمَفْعُولِ:

- (۱) حَفِظْتُ ← مَحْفُوظٌ (۲) بَدَّلْتُ ← مُبَدَّلٌ (۳) قَطَعْتُ ← مَقْطُوعٌ (۴) سَاعَدْتُ ← مُسَاعَدٌ

۵۷- مَبْيُزِ الْخَطَأَ:

- (۱) الصَّالِّينَ: إِسْمُ الْفَاعِلِ (۲) الْمُسْتَمِعِينَ: إِسْمُ الْفَاعِلِ (۳) الْآخَرِينَ: إِسْمُ الْفَاعِلِ (۴) الْمُرْسَلِينَ: إِسْمُ الْمَفْعُولِ

۵۸- مَا هُوَ الصَّحِيحُ حَسَبَ قَوَاعِدِ صِيَاغَةِ اسْمِ التَّفْضِيلِ لِلْمُؤَنَّثِ؟

- (۱) عَلِيَا (۲) سَوْدَاءُ (۳) بَيْضَاءُ (۴) صَفْرَاءُ

۵۹- عَيَّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْكَلِمَاتِ: «خَلَّاقٌ - عَلِمْتِي - مُجَرَّبٌ - مُنْتَصِرٌ - مَغْرِبٌ»

- (۱) اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ التَّفْضِيلِ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْمَفْعُولِ - اسْمُ الْمَكَانِ (۲) اسْمُ الْمَبَالِغَةِ - اسْمُ الْمَفْعُولِ - اسْمُ الْمَكَانِ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْمَفْعُولِ  
(۳) اسْمُ الْمَبَالِغَةِ - اسْمُ التَّفْضِيلِ - اسْمُ الْمَفْعُولِ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْمَكَانِ (۴) اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ التَّفْضِيلِ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْفَاعِلِ - اسْمُ الْمَكَانِ

۶۰- عَيَّنِ الْخَطَأَ فِي صِيَاغَةِ الْكَلِمَاتِ:

- (۱) إِسْمُ الْفَاعِلِ مِنْ «يَتَوَهَّمُ»: مَتَوَهَّمٌ (۲) إِسْمُ الْمَفْعُولِ مِنْ «يُجَهِّزُ»: مُجَهِّزٌ  
(۳) إِسْمُ الْمَبَالِغَةِ مِنْ «فَهِمَ»: فَهَامَةٌ (۴) إِسْمُ الْمَكَانِ مِنْ «رَجَعَ»: مَرْجُوعٌ

٦١- ما هو الصحيح عن عدد أسماء التفضيل في عبارة «أعظم العبادة أجراً أخفاهم»؟

- (١) واحد (٢) إثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

٦٢- عيّن اسم فاعل ليس صفة:

- (١) يزرع الفلاح المجدد أشجار التفاح!  
(٢) أخي قانع، برضى بطعام قليل!  
(٣) لصديقي العاقل فضل في حسن الخلق!  
(٤) اليوم السادس من أيام الأسبوع يوم الخميس!

٦٣- في أيّ عبارة جاء اسم التفضيل؟

- (١) «لا يظلم ربك أحداً»  
(٢) «أنتم الأعلون إن كنتم مؤمنين»  
(٣) «اليوم أكملت لكم دينكم»  
(٤) «علم ما تعملون»

٦٤- في أيّ عبارة جاء اسم الفاعل أكثر؟

- (١) قلت للكفار أنتم مفسدون!  
(٢) مشاورة المشفق الجاهل خطأ!  
(٣) علينا أداء الواجب. نحن مبشرون و منذرون!  
(٤) رجح الطالب التاجح من المسابقة!

٦٥- عيّن عبارة فيها العدد على وزن الفاعل:

- (١) «لا تتخذوا إلهين اثنين»  
(٢) يأخذ الفائز الثالث جائزة!  
(٣) إذا كان اثنان يتناجيان فلا تدخل بينهما!  
(٤) المؤمن أخلص لله أربعين صباحاً!

٦٦- عيّن عدداً ليس على وزن الفاعل:

- (١) للفائز الثاني جائزة فضية!  
(٢) لي ثلاثة إخوان وأختان اثنتان!  
(٣) الفصل الثالث في السنة الإيرانية فصل الخريف!  
(٤) سيقولون رابعهم كلبهم!

٦٧- أيّ جواب لا يوجد في العبارات؟

- (١) للشخص المتواضع عزة النفس! (اسم الفاعل)  
(٢) لأنه وجد التواضع أرفع لسانه! (اسم التفضيل)  
(٣) سيد القوم خادمهم في السفر! (اسم الفاعل)  
(٤) الشمس والقمر ينبيران العالم! (اسم الفاعل)

٦٨- عيّن «خيراً» ليس اسم التفضيل:

- (١) عالم ينتفع بعلمه خير من ألف عابد!  
(٢) ليس العاقل من يعرف الخير من الشر!  
(٣) ولكن العاقل من يعرف خير الشرين!  
(٤) هذا العمل خير مما تفعلون!

٦٩- ميّز العبارة التي كلمة «خير» فيها اسم تفضيل:

- (١) يا الله، بيدك الخير!  
(٢) الجليس الصالح خير من الوحدة!  
(٣) الخير في ما وقع!  
(٤) يرى الإنسان لكل خير خيراً!

٧٠- عيّن ما ليس فيها اسم تفضيل:

- (١) الوحدة خير من جليس السوء!  
(٢) «فمن عفا وأصلح فأجزه على الله»  
(٣) كان حسن خير طالب في المدرسة!  
(٤) أفضل الأعمال الكسب من الحلال.

٧١- أيّ جواب لا يوجد في العبارات؟

- (١) «ليلة القدر خير من ألف شهر» (اسم التفضيل)  
(٢) اللغة العربية من أفصح لغات العالم! (الفعل الماضي)  
(٣) معلوماتك عن النجوم كثيرة! (اسم المفعول)  
(٤) أحب أن أذهب إلى المسجد! (اسم المكان)

٧٢- أيّ جواب لا يوجد في العبارات؟

- (١) «يا قوم إنكم ظلمتم أنفسكم» (اسم التفضيل)  
(٢) المعلمون المخضون عماد الأمة! (اسم الفاعل - اسم المفعول)  
(٣) «أخاف أن يأكله الذئب وأنتم غافلون» (اسم الفاعل)  
(٤) «وأجعل لي لسان صدق في الآخرين» (اسم التفضيل)

٧٣- عيّن ما فيه اسم المكان:

- (١) كم المسافة من بغداد إلى هناك؟  
(٢) ذهب السائح لزيارة مرقد سلمان الفارسي!  
(٣) إنه أحد قصور الملوك الساسانيين قبل الإسلام!  
(٤) المهرجان احتفال عام بمناسبة جميلة!

۷۴- کم اسم فاعل في عبارة «المعلمة التي تربي الطالبات المجتهدات تصل إلى أهدافها العالية»؟

- (۱) واحد (۲) إثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۷۵- عيّن العبارة التي تشتمل على اسم الفاعل و اسم التفضيل معاً:

- (۱) بعض الحيوانات يستعمل العشب المناسب للوقاية من الأمراض المختلفة!  
 (۲) «و ما أرسلناك إلا بشيراً و نذيراً»  
 (۳) البحري من أكبر شعراء العرب!  
 (۴) إن الإسلام يشجع المسلمين و المسلمات على طلب العلم!

۷۶- ما هو الصحيح لما تحته خطاً؟ «هو الذي خلقكم فمنكم كافر و منكم مؤمن»

- (۱) اسم الفاعل - اسم الفاعل (۲) اسم الفاعل - اسم المفعول (۳) اسم الفاعل - اسم المكان (۴) اسم المفعول - اسم المفعول

۷۷- عيّن الصحيح:

- (۱) «و لعذاب الآخرة أكبر لو كانوا يعلمون»: (اسم الفاعل - اسم التفضيل)  
 (۲) مشاورة العقلاء تزيد قدرة الإنسان: (اسم المفعول - اسم الفاعل)  
 (۳) دخل الطلاب في مجلس الموعظة: (اسم المبالغة - اسم المكان)  
 (۴) هم مشغولون بمطالعة دروسهم: (اسم المفعول - اسم المفعول)

۷۸- عيّن عبارة جاء فيها اسم التفضيل و اسم الفاعل و اسم المكان معاً:

- (۱) «إلى الله مرجعكم و هو على كل شيء قدير»  
 (۲) منزل هذا الرجل أجمل من بيت الآخرين!  
 (۳) هو من أفضل المعلمين!  
 (۴) العمال الإيرانيون ينتجون في المصانع أحسن البضائع!

۷۹- عيّن عبارة ماجاء فيها اسم الفاعل و اسم المفعول معاً:

- (۱) المستضعفون هم وارثون الأرض!  
 (۲) «إنا أرسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً»  
 (۳) الكافرون لا ينظرون إلى حال المحرومين!  
 (۴) «و ما ترسل المرسلين إلا مبشرين و منذرين»

۸۰- عيّن ما ليس فيه اسم مبالغة:

- (۱) «إن النفس لأمازة بالسوء»  
 (۲) قال الفتى العلامة بشهامه!  
 (۳) ليست دموع عيني هذي لنا العلامة! (۴) يا عفار الذنوب، اغفر لنا ذنوبنا!

۸۱- عيّن ما ليس فيه اسم مكان:

- (۱) النافلات تنقل النفط إلى مخازن!  
 (۲) سئل المصانع زكياً تهيم في الفلوات!  
 (۳) العامل يبني المنازل العالية!  
 (۴) «و عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها إلا هو»

(ويژه علاقمندان)

۸۲- ما هو الخطأ للفرغ في العبارة؟ «مريم و فاطمة أختاي؛ مريم .....

- (۱) أكبر من فاطمة! (۲) كبرى أخواتي!  
 (۳) كبرى من فاطمة! (۴) هي الكبرى!

۸۳- عيّن الخطأ عن الأفعال التي لها خط:

- (۱) اللهم كما حسنت خلقي، فحسن خلقي: (الفعل الماضي - فعل الأمر)  
 (۲) لا يكلف الله نفساً إلا و سعة: (الفعل المضارع المجهول)  
 (۳) قال إني أعلم ما لا تعلمون: (الفعل الماضي - الفعل المضارع المنفي)  
 (۴) يصنع الخبر من العجين: (الفعل المضارع المجهول)

۸۴- عيّن الخطأ عن الفعلين: «تعلم / تتبادل»

- (۱) الفعل الماضي / الفعل المضارع (۲) لهما حرفان زائدان  
 (۳) مصدره «تعلم» / مصدره «تبادل» (۴) سوم شخص مفرد / سوم شخص مفرد

۸۵- عيّن الأفعال كلها من نوع واحد:

- (۱) إنكسرن / اقتربوا / تكبروا (۲) إنتقمنا / أحسن / علّموا  
 (۳) تنصحين / تلقبون / تحركن (۴) تسافرو / تعتقدن / تكاتب

۸۶- عيّن ما على وزن «افتعل»:

- (۱) إنتشر / إنتقد (۲) إنتطفأ / اجتنب  
 (۳) إستغفر / اشترك (۴) إستقبل / استرق

۸۷- عيّن ما على وزن «انفعل»:

- (۱) إنتحر / إنجمد (۲) إنتظر / إنفتح  
 (۳) إنتبه / إنصرف (۴) إنبسط / إنقطع

۸۸- عَيَّنْ مَا عَلَى وَزَنِ «إِسْتِفْعَال»:

(۱) إِسْتَمَاعٌ / اسْتِكْبَارٌ (۲) إِسْتِعْلَامٌ / اسْتِرْجَاعٌ (۳) إِسْتِيْلَامٌ / اسْتِغْفَارٌ (۴) إِسْتِيْمَارٌ / إِسْتِسَامٌ

۸۹- عَيَّنِ الْخَطَأَ حَسَبَ الضَّمِيرِ:

(۱) أَنشَأْنَا جَالِسَتُمَا (۲) هُنَّ يُجَالِسُونَ (۳) أَنَا أَجَالِسُ (۴) هِيَ تُجَالِسُ

۹۰- عَيَّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاعِيْنَ: «أَنْتِ ..... وَ نَحْنُ .....!»

(۱) غَرَسْتَ / نَحَصَدُ (۲) تَغْرِسُ / أَحْصُدُ (۳) غَرَسْتَ / نَحَصَدُ (۴) تَغْرِسِينَ / حَصَدْنَا

۹۱- عَيَّنِ الْخَطَأَ لِلْفَرَاعِ: «هُوَ لَاءٌ .....!»

(۱) تَكَلَّمُوا (۲) يَتَكَلَّمُونَ (۳) يَتَكَلَّمَنَ (۴) كَلَّمُوا

۹۲- مَا هُوَ الصَّحِيحُ لِلْفَرَاعِيْنَ فِي عِبَارَةِ «يَا أُخْتِي، أَنَا لَا .....؛ وَلَكِنَّكَ ..... كَلَامِي!»؟

(۱) كَذِبْتُ / مَا صَدَقْتُ (۲) أَكْذِبُ / لَا تُصَدِّقُنِ (۳) تُكَذِّبُ / لَا تُصَدِّقُ (۴) تُكَذِّبُ / لَا أَصَدِّقُ

۹۳- مَا هُوَ الصَّحِيحُ لِلْفَرَاعِيْنَ فِي عِبَارَةِ «بِنْتِي الصَّغِيرَةُ مِنْ عَمَلِ ..... السَّيِّئِء»؟

(۱) نَدِمْتُ / هِيَ (۲) نَدِمَ / هِ (۳) يَنْدَمُ / هَا (۴) نَدِمْتُ / هِ

۹۴- عَيَّنِ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ:

(۱) لَا تُلقَّبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا! (۲) «وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أ إِذَا مَا مِتَّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا»

(۳) «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ» (۴) «أَ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا»

۹۵- عَيَّنْ مَا لَيْسَ فِيهِ فِعْلٌ مَجْهُولٌ:

(۱) «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ» (۲) «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»

(۳) «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (۴) «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ»

۹۶- عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْأَفْعَالِ عَلَى التَّرْتِيبِ:

(۱) «وَ إِذَا قَرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ»: (الفِعْلُ الْمَاضِي لِلْمَجْهُولِ / فِعْلُ الْأَمْرِ)

(۲) «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظَلَّمُونَ شَيْئًا»: (الفِعْلُ الْمَضَارِعُ لِلْمَجْهُولِ / الفِعْلُ النَّفِي لِلْمَجْهُولِ)

(۳) «وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أحياءٌ»: (فِعْلُ النَّهْيِ لِلْمَعْلُومِ / الفِعْلُ الْمَضَارِعُ لِلْمَجْهُولِ)

(۴) «رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»: (الفِعْلُ الْمَضَارِعُ لِلْمَعْلُومِ / الفِعْلُ الْمَاضِي لِلْمَعْلُومِ)

۹۷- فِي أَيِّ عِبَارَةِ يُعْرَفُ الْفَاعِلُ؟

(۱) تُحَوَّلُ الْأَشْجَةُ الْقَمَرِ الْفَضِيَّةَ الظَّلَامَ إِلَى الضَّوءِ!

(۲) «يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ»

(۳) «وَ أُجْذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»

(۴) «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»

۹۸- عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاعَاتِ عَنِ الْأَعْدَادِ التَّرْتِيبِيَّةِ: «خامس - ..... - سابع - ..... - تاسع - .....!»

(۱) سادس - ثمانى - عاشر (۲) بست - ثامن - عشر (۳) بست - ثمانى - عشر (۴) سادس - ثامن - عاشر

۹۹- عَيَّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاعَاتِ عَنِ الْأَعْدَادِ الْأَصْلِيَّةِ: «..... - اثنتان - ..... - خمسة!»

(۱) واحدة - ثالثة - أربعة (۲) أولى - ثالثة - أربعة (۳) أول - ثلاثة - أربعة (۴) واحدة - ثلاثة - أربعة

۱۰۰- عَيَّنِ الْعَدَدَ التَّرْتِيبِيَّ:

(۱) «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»

(۲) «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا»

(۳) «وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ»

(۴) «أَسْتَشْهِدُ الْإِمَامَ الْحَسِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ مِنْ شَهْرِ مُحَرَّمٍ!»

۱۰۱- عَيَّنِ الْعَدَدَ غَيْرَ الصَّفَةِ:

(۱) نَتَعَلَّمُ فِي الْمَدْرَسَةِ لَعَتَيْنِ اثْنَتَيْنِ!

(۲) «وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ»

(۳) رَأَيْتُ فِي الْمَوْقِفِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ سَيَّارَةً!

(۴) أَحِبُّ الْفَصْلَ الثَّالِثَ مِنَ الْفُصُولِ!

۱۰۲- عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ:

(۱) عِشْرُونَ نَاقِصٌ خَمْسَةَ عَشْرَةَ سَبْعَةَ عَشْرَةَ!

(۲) ثَلَاثَةٌ وَ تِسْعُونَ زَائِدٌ سَبْعَةَ عَشْرَةَ سَبْعَةَ عَشْرَةَ!

(۳) ثَمَانِيَّةٌ فِي سَبْعَةَ عَشْرَةَ سَبْعَةَ عَشْرَةَ وَ أَرْبَعِينَ!

(۴) أَرْبَعُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ سَبْعَةَ عَشْرَةَ عَشْرِينَ!

۱۰۳- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ الْكَلِمَاتِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

(۱) صَبْرًا: مفعول (۲) «نا» در أَنْصُرْنَا: فاعل (۳) الْقَوْمِ: مجرور بِحَرْفِ الْجَرِّ (۴) الْكَافِرِينَ: صفة

۱۰۴- عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فَاعِلًا:

(۱) فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِي سِرَاوِيلَ أَفْضَلَ! (۲) فِي السَّنَةِ الدَّرَاسِيَةِ الْمَاضِيَةِ نَجَّحَ أَزْكَى التَّلَامِيذِ فِي الْمَسَابِقَاتِ الْعِلْمِيَّةِ!  
(۳) أَحْسَنَ الطَّلَابِ هُوَ الَّذِي يَتَوَاضَعُ أَمَامَ مَعْلَمِيهِ!  
(۴) مَتَحْتُ أَحْسَنَ مَلَابِسِي فَقِيرًا مَا كَانَ لَهُ لِبَاسٌ!

۱۰۵- مَا هُوَ الْخَطَأُ عَنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾

(۱) سَكِينَتَهُ: مفعول (۲) الْمُؤْمِنِينَ: صفة (۳) اللَّهُ: فاعل (۴) ضَمِيرٌ مَتَّصِلٌ «و»: مُضَافٌ إِلَيْهِ

۱۰۶- مَا هُوَ الصَّحِيحُ عَنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطَأٌ؟

(۱) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عِيُوبِكُمْ! (فاعل)  
(۲) ﴿وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾: (مفعول)  
(۳) جَمَالَ الْمَرْءُ فَصَاحَةً لِسَانِيهِ! (خبر)  
(۴) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا! (مبتدأ)

۱۰۷- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

(۱) ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ! (خبر)  
(۲) الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ! (صفة)  
(۳) السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِصَّةٌ! (مبتدأ)  
(۴) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ! (خبر)

۱۰۸- مَا هُوَ الصَّحِيحُ؟ «الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ!»

(۱) يَأْكُلُ: خبر (۲) الْحَسَنَاتِ: فاعل (۳) النَّارُ: مُبْتَدَأُ (۴) الْحَطَبُ: خبر

۱۰۹- مَا هُوَ الْخَطَأُ عَنِ الْكَلِمَاتِ فِي الْعِبَارَةِ؟ «أَعْلَمَ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَيَّ عِلْمِيهِ!»

(۱) مَنْ: خبر (۲) عِلْمِ: مجرور بِحَرْفِ الْجَرِّ (۳) عِلْمٌ: فاعل (۴) أَعْلَمَ: مُبْتَدَأُ

۱۱۰- عَيِّنِ كَلِمَةَ «خَيْرٍ» لَيْسَ اسْمَ تَفْضِيلٍ:

(۱) الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ!  
(۲) عَادَاةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنَ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ!  
(۳) ﴿وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى﴾  
(۴) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عِيُوبِكُمْ!

(ویژه علاقمندان)

۱۱۱- عَيِّنِ ضَمِيرَ الْبَاءِ مَفْعُولًا:

(۱) إِشْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةِ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ!  
(۲) «وَ أَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»  
(۳) أَكْتُبِي وَاجِبَاتِكَ فِي الْوَقْتِ الْمُنَاسِبِ!  
(۴) لَا تَطْبَعِي هَذِهِ الْمَقَالَةَ!

۱۱۲- عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ خَبْرًا:

(۱) ﴿فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾  
(۲) شَجَرَةٌ زُقَافِنَا مِنْ أَقْدَمِ الْأَشْجَارِ فِي مَدِينَتِنَا!  
(۳) ﴿وَ إِزْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾  
(۴) لَوْنُ جَمِيعِ الرَّهْوَرِ فِي هَذِهِ الْحَدِيقَةِ أَزْرَقٌ!

۱۱۳- عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَاتِ:

(۱) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ! (اسم التفضيل / المفعول)  
(۲) مَنْ عَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ! (اسم التفضيل / المجرور بِحَرْفِ الْجَرِّ)  
(۳) تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً! (اسم التفضيل / الصفة)  
(۴) سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ! (الخبر / اسم التفضيل)

۱۱۴- عَيِّنِ مَا لَيْسَتْ فِيهِ صِفَةٌ:

(۱) يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمُجِدُّ أَشْجَارَ التَّنْفَاحِ!  
(۲) أَخِي فَانِعٌ، يَرْضَى بِطَعَامٍ قَلِيلٍ!  
(۳) لِصَدِيقِي فَضْلٌ فِي حَسَنِ الْخُلُقِ!  
(۴) الْيَوْمَ السَّادِسُ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ!

۱۱۵- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ لِلْإِسْمِ صِفَةٌ وَ مُضَافٌ إِلَيْهِ مَعًا؟

(۱) كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ دَوْرَهُ بِمَهَارَةٍ بِالْعَفَاةِ!  
(۲) ذَنَبٌ وَاحِدٌ كَثِيرٌ وَ أَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيلٌ!  
(۳) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ!  
(۴) تَدَخَّلَ الْمُدِيرُ وَ نَصَحَنَا وَ نَدَّمْنَا عَلَى عَمَلِنَا الْقَبِيحِ!



**پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول**

۱۱ ۱ «أَعْلَمُ» اسم تفضیل است و به شکل صفت برتر «داناتر» ترجمه می‌شود؛ ترجمه کامل آیه «بگو، پروردگرم به تعدادشان داناتر است جز اندکی [تعداد] آن‌ها را نمی‌دانند».

۱۲ ۲ «أَقْدَسُ» اسم تفضیل است و هم‌چنین مضاف واقع شده، بنابراین به شکل صفت برترین «مقدس‌ترین» ترجمه می‌شود؛ ترجمه کامل عبارت «به راستی کار مقدس‌ترین چیز در زندگی انسان است».

۱۳ ۳ چون بعد از «حَبِیْرٌ» حرف جر (مِن) آمده اسم تفضیل است و به شکل صفت برتر و با پسوند «تر» ترجمه می‌شود؛ ترجمه عبارت «دشمنی دانا خوب‌تر از دوستی نادان است».

۱۴ ۴ «أَكْبَرُ» اسم تفضیل و هم‌چنین بعد از آن مضاف‌الیه آمده، بنابراین به شکل صفت برترین «بزرگ‌ترین» ترجمه می‌شود؛ ترجمه کامل عبارت «بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانند آن در توست عیب بگیری».

۱۵ ۵ «إِثْمٌ؛ گناه». ترجمه عبارت «به راستی بعضی از گمان‌ها گناه است».

۱۶ ۲ «غالی: گران ≠ رخیص: ارزان» متضاد هستند نه مترادف. سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۱) الْحُسْنُ = الْخَيْرُ: خوبی (۳) الْإِثْمُ = الذَّنْبُ: گناه (۴) عَابٌ = لَمَزٌ = عیب‌جویی کرد = عیب‌گرفت

۱۷ ۴ «عَسَى = رَمَمَا: شاید». سایر گزینه‌ها متضاد هستند نه مترادف: (۱) كَرِهَ: ناپسند داشت ≠ فَسَّقَ: کار ناپسند کرد (۲) حَرَّمَ: حرام کرد ≠ أَحَلَّ: حلال کرد (۳) حَيٌّ: زنده ≠ مَيِّتٌ: مرده

۱۸ ۳ ذکر کلمات زشت برای تحقیر دیگران، «الْإِسْتِهْزَاءُ: ریشخند» است نه «سوء الظَّنِّ: بدگمانی»! سایر گزینه‌ها درست هستند: (۱) تَلَّاشٌ برای فهمیدن رازهای دیگران، «جاسوسی» است! (۲) ذکر عیب‌های دیگران بدون حضورشان، «غیبت» است! (۴) ذکر پشیمانی بعد از کار بدی و تلاش برای جبران آن، «توبه» است!

۱۹ ۲ «قیمت آن لباس زنانه شصت و پنج هزار تومان است». ترجمه عبارت در صورت سؤال به همراه سایر گزینه‌ها: کسی وارد مغازه می‌شود و قیمت‌های شلوارها را از فروشنده می‌پرسد، پس فروشنده به او می‌گوید: (۱) شلوار مردانه نود هزار تومان است! (۳) شلوار زنانه هفتاد و هفت هزار تومان است! (۴) قیمت‌ها از چهل و پنج هزار تا نود هزار تومان است!

۱ ۴ «أَعْلَمُ» اسم تفضیل است و به شکل صفت برتر «داناتر» ترجمه می‌شود؛ ترجمه کامل آیه «بگو، پروردگرم به تعدادشان داناتر است جز اندکی [تعداد] آن‌ها را نمی‌دانند».

۲ ۲ «أَقْدَسُ» اسم تفضیل است و هم‌چنین مضاف واقع شده، بنابراین به شکل صفت برترین «مقدس‌ترین» ترجمه می‌شود؛ ترجمه کامل عبارت «به راستی کار مقدس‌ترین چیز در زندگی انسان است».

۳ ۴ چون بعد از «حَبِیْرٌ» حرف جر (مِن) آمده اسم تفضیل است و به شکل صفت برتر و با پسوند «تر» ترجمه می‌شود؛ ترجمه عبارت «دشمنی دانا خوب‌تر از دوستی نادان است».

۴ ۴ «أَكْبَرُ» اسم تفضیل و هم‌چنین بعد از آن مضاف‌الیه آمده، بنابراین به شکل صفت برترین «بزرگ‌ترین» ترجمه می‌شود؛ ترجمه کامل عبارت «بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانند آن در توست عیب بگیری».

۵ ۳ «إِثْمٌ؛ گناه». ترجمه عبارت «به راستی بعضی از گمان‌ها گناه است».

۶ ۲ «سوء الظَّنِّ: بدگمانی، اتهام فردی به فردی دیگر بدون دلیل منطقی است!». ترجمه سایر کلمات: (۱) جاسوسی کردن (۳) ستم (۴) آلوده شدن به گناه، کار ناپسند

۷ ۳ ترجمه عبارت «خداوند خوبی را برای مردم حرام کرد». سایر گزینه‌ها مناسب جای خالی هستند: (۱) ریشخند کردن (۲) غیبت (۴) بدگمانی

۸ ۱ شکل درست ترجمه در سایر گزینه‌ها: (۲) أَنْ تَتَعَلَّمَ: که یاد بگیري؛ حرف «أَنْ» بر سر مضارع ترجمه فعل را به مضارع التزامی تغییر می‌دهد. (۳) سَأَلْتُ أَبَدَلٌ: عوض خواهیم کرد؛ فعل مستقبل اول شخص مفرد است. (۴) انْكَسَرْتُمْ: شکسته شدید؛ فعل ماضی است.

۹ ۲ شکل درست ترجمه فعل‌ها در سایر گزینه‌ها: (۱) مَا كَانَ يَلْقَبُ: لقب نمی‌داد؛ فعل منفی «ما كان» بر سر فعل مضارع، ترجمه آن را به ماضی استمراری منفی تغییر می‌دهد. (۳) يُسَمِّي: نامیده می‌شود؛ فعل مضارع با حرکت ضمه (ـُ) روی حرف مضارعه و حرکت فتحه (ـِ) روی عین الفعل، مجهول است. (۴) لَا تَسْتَهْزِئُوا: ریشخند نکنید؛ فعل نهی است.

۱۰ ۳ «بِعِثْتُ» فعل اول شخص ماضی مجهول و ترجمه آن «فرستاده شد» و «لَأَتَمِّمَنَّ» فعل اول شخص مضارع معلوم که حرف «لِـ» تا، برای این‌که» بر سر آن آمده، بنابراین به شکل مضارع التزامی «تا کامل کنم» ترجمه می‌شود.

# تست‌های کنکور سراسری

۵۵۶- «طوبى لمن يُعوّد لسانه على الكلام اللّين حتّى لا يخاف النَّاس منه بل يُقبلون عليه!»:

(تجربی ۹۹)

- ۱) خوشا به حال کسی که زبان خود را به کلام نرم عادت دهد تا مردم از او نترسند بلکه به او روی آورند!
- ۲) خرم آن کس که زبان او به سخن لطیف عادت نماید تا زمانی که مردم از او نترسند و او را قبول داشته باشند!
- ۳) خوشا آن کس که زبانش را به کلامی لطیف عادت دهد تا نه تنها مردم از او نترسند بلکه به او روی آورند!
- ۴) خوش به حال آن کسی که زبانش به سخن نرم عادت کند تا این که مردم از او نترسند و نیز او را بپذیرند!

۵۵۷- «يا أيها النَّاس؛ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...»: هان ای مردم ...

(ریاضی ۹۹)

- ۱) همانا ما شما را از یک نر و یک ماده آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبایل قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی یابید ...!
- ۲) شما را قطعاً به شکل نر و ماده آفریده‌ایم و ملت‌ها و قبایل را در شما قرار دادیم باشد که با هم انس بگیرید ...!
- ۳) شما را بدون شک به صورت مذکر و مؤنث آفریده‌ایم و شعبه‌ها و عشیره‌ها از شما قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ...!
- ۴) قطعاً ما شما را از یک مرد و یک زن خلق کردیم و به هیئت اقوام و قبیله‌ها پدید آوردیم تا شاید یکدیگر را بشناسید ...!

۵۵۸- «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجَحَ فِي حَيَاتِهِ فَلْيَجْعَلِ السَّعْيَ صَدِيقَهُ الْحَمِيمَ وَ التَّجْرِبَةَ مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمَ!»:

(ریاضی ۹۹)

- ۱) کسی که خواسته است در زندگیش پیروز گردد، تلاش را دوستی گرم و صمیمی و تجربه را مشاوره حکیم برای خود قرار می‌دهد!
- ۲) هر کسی که می‌خواهد در زندگی خود موفق شود باید سعی کردن را دوستی صمیمی و تجربه کردن را مشاوره دانا قرار دهد!
- ۳) آن که پیروز شدن را در زندگیش خواسته است، دوست صمیمی‌اش را سعی کردن و مشاور دانايش را تجربه قرار می‌دهد!
- ۴) هر کس بخواهد در زندگی خود موفق بشود، باید تلاش را دوست صمیمی و تجربه را مشاور خردمند خویش قرار دهد!

۵۵۹- «قُوَّةُ هَذَا الإِعْصَارِ تَسْحَبُ الأَسْمَاكَ إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ عَلَى بُعْدِ مَائَتِي كِيلُومِتْرٍ مِنَ المَحِيطِ الأَطْلَسِيِّ!»:

(ریاضی ۹۹)

- ۱) قدرت این گردباد ماهی‌ها را به مکانی دور، در فاصله دویست کیلومتری از اقیانوس اطلس می‌کشاند!
- ۲) چنین گردبادی با قدرت، ماهی‌ها را به مکان دور، در دویست کیلومتر دورتر از اقیانوس اطلس می‌اندازد!
- ۳) نیروی این طوفان ماهی‌ها را به سوی مکان دور، در دویست کیلومتر آن طرفتر از اقیانوس اطلس می‌کشاند!
- ۴) این گردباد با نیروی زیاد، ماهی‌ها را به سمت مکانی دوردست، در فاصله دویست کیلومتری اقیانوس اطلس پرتاب می‌کند!

۵۶۰- «عُمَرُ نَوْعٍ مِنْ هَذِهِ الأشْجَارِ الطَّوِيلَةِ العَجِيبَةِ قَدْ يَصِلُ إِلَى أَكْثَرِ مِنْ خَمْسَمِائَةِ سَنَةٍ!»:

(ریاضی ۹۹)

- ۱) یک نوع از این درخت‌های بلند، عمرش شگفت‌انگیز است، گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!
- ۲) یک نوع از این درخت‌های بلند شگفت‌انگیز، عمرشان قطعاً بیش‌تر از پانصد سال است!
- ۳) عمر نوعی از این درختان که بلند و عجیب هستند قطعاً بیش‌تر از پانصد سال است!
- ۴) عمر نوعی از این درختان بلند عجیب گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

۵۶۱- «علینا أن نستفيد من تجارب النَّاجِحِينَ بأنهم كيف واجهوا الصَّعُوباتَ وَ نَهَضُوا بعد السَّقُوطِ وَ استمروا على سلوكهم حتّى النَّجَاحِ»: ما باید از

(هنر ۹۹)

تجارب انسان‌های موفق .....

- ۱) بهره ببریم به این که چطور با مشکلات روبه‌رو شدند و بعد از افتادن برخاستند تا به راه خودشان تا موفقیت ادامه بدهند!
- ۲) استفاده کنیم که چگونه با سختی‌ها روبه‌رو شده‌اند و بعد از سقوط برخاسته‌اند و روش خود را تا پیروزی، ادامه داده‌اند!
- ۳) بهره‌مند شویم بدین‌گونه که با دشواری‌ها چگونه مواجه می‌شوند و بعد از سقوط کردن برمی‌خیزند و بر رفتارشان تا پیروزی باقی مانده‌اند!
- ۴) استفاده نماییم که آن‌ها با مشکلات چطور برخورد کرده‌اند و بعد از افتادن چگونه بلند شده‌اند و چگونه بر سلوک خود تا پیروز شدن باقی می‌مانند!

۵۶۲- «ليس مِنَ الصَّرُورِي أَنْ يَكُونَ لَدَيْكَ أَصْدِقَاءُ كَثِيرُونَ لِتُصْبِحَ ذَا شَخْصِيَّةٍ مَعْرُوفَةٍ عِنْدَ النَّاسِ!»:

(هنر ۹۹)

- ۱) نیازی نیست که در کنار تو دوستان زیادی باشند برای این که آن‌ها دارای یک شخصیت شناخته‌شده نزد مردم باشند!
- ۲) نیازی به این نیست که دوستان تو فراوان باشند تا این که دارای شخصیت شناخته‌شده‌ای نزد مردم باشی!
- ۳) ضروری این نیست که دوستانت زیاد باشند تا تو هم صاحب شخصیتی شهیر بین مردم شوی!
- ۴) ضروری نیست که دوستان بسیاری داشته باشی تا دارای شخصیت معروفی نزد مردم شوی!

(هنر ۹۹)

۵۶۳- «ما أجمل أن ترى نهاية أحزانك الماضية لتبدأ حياة جديدة فرحة!»:

- ۱) چه زیباست که پایان غم‌های گذشته‌ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!
- ۲) چیزی زیباتر است که غم‌های گذشته‌ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!
- ۳) چه زیباست که ببینی اندوه‌های گذشته‌ات پایان یافته برای این‌که زندگی جدید شادی شروع شود!
- ۴) آن‌چه زیباتر است اینست که پایان ناراحتی‌های قبلی‌ات را ببینی برای این‌که زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!

(هنر ۹۹)

۵۶۴- «إن أمكن لنا أن نستخدم الحديد و النحاس في بناء البيوت فإنها لا تتخرب بسهولة بعد أن تحدث حادثه!»:

- ۱) هرگاه امکان استفاده از آهن و مس در ساختمان خانه‌هایمان باشد، پس از هر حادثه‌ای که رخ دهد خانه ما ویران نمی‌شود!
- ۲) اگر برایمان ممکن شود که آهن و مس را در ساختن خانه‌ها به کار ببریم، بعد از این‌که حادثه‌ای اتفاق بیفتد به آسانی خراب نمی‌شود!
- ۳) هرگاه برای ما ممکن باشد که در ساختن خانه‌ها از آهن و مس استفاده کنیم، بعد از این‌که حادثه‌ای رخ دهد خانه به ویرانی نمی‌انجامد!
- ۴) اگر ممکن باشد که در ساختمان خانه‌هایمان آهن و مس به کار ببریم، پس از این‌که حادثه‌ای اتفاق بیفتد خانه‌ها به سرعت به خرابی نمی‌انجامد!

(هنر ۹۹)

۵۶۵- «هناك مفرداتٌ في كل لغةٍ قد دخلت فيها من اللغات الأخرى و قد أصبحت كلماتٍ لها معانٍ جديدة!»:

- ۱) در هر زبان لغت‌هایی است که از دیگر زبان‌ها در آن وارد شده، و معانی جدیدی برای آن ایجاد کرده است!
- ۲) واژه‌هایی در هر زبان موجود است که از دیگر زبان‌ها داخل آن شده و معانی جدیدی بر آن افزوده است!
- ۳) در هر زبانی کلماتی وجود دارد که از زبان‌های دیگر وارد آن شده و واژگانی با معانی جدید شده‌اند!
- ۴) کلماتی در هر زبان وجود دارد که زبان‌های دیگر داخل آن شده و معانی دیگری یافته است!

(زبان ۹۹)

۵۶۶- «أنزل من السماء ماءً فأخرج به من الثمرات رزقاً لكم»:

- ۱) آب را از آسمان نازل کرد و از میوه‌ها روزی برای شما قرار داد!
- ۲) از آسمان آب را نازل کرد و از ثمره‌ها روزی برای شما بیرون آمد!
- ۳) آبی از آسمان فرو فرستاد و به وسیله آن ثمره‌های رزق را برای شما خارج ساخت!
- ۴) از آسمان آبی فرو فرستاد پس به وسیله آن از میوه‌ها رزقی را برای شما خارج ساخت!

(زبان ۹۹)

۵۶۷- «لا تعيش في الماضي و ما وقع فيه حتى لا يضيع مستقبلك!»:

- ۱) در گذشته و آن‌چه در آن رخ داده است زندگی مکن تا آینده‌ات تباہ نشود!
- ۲) در گذشته‌ها و چیزهایی که در آن‌ها رخ داده بود زندگی مکن تا آینده تو ضایع نگردد!
- ۳) برای این‌که آینده خود را تباہ نسازی، در گذشته و آن‌چه در آن روی داد، زندگی مکن!
- ۴) برای تباہ نساختن آینده خویش، در گذشته و چیزی که در آن واقع می‌شود، زندگی منماید!

(زبان ۹۹)

۵۶۸- «قررت مع أختي الصغرى أن نذهب غداً رأس الساعة التاسعة و التّصف إلى المتحف لمشاهدة الآثار التاريخية!»:

- ۱) با خواهر کوچکم قرار گذاشتیم فردا سر ساعت نه و نیم برای بازدید از آثار باستانی به موزه برویم!
- ۲) من با خواهر کوچک‌ترم قرار گذاشتیم؛ سر ساعت نه و نیم فردا به دیدار آثار باستانی موزه‌ها برویم!
- ۳) من و خواهرم صغری قرار گذاشتیم رأس ساعت نه و نیم فردا به مشاهده آثار تاریخی موزه‌ها برویم!
- ۴) با خواهر کوچک‌ترم قرار گذاشتیم که فردا رأس ساعت نه و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!

(زبان ۹۹)

۵۶۹- «عامل الناس مثلما تحب أن يعاملوك، و لا تكن ذا وجهين!»:

- ۱) با مردم آن‌طور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، و دو رو مباش!
- ۲) طوری با مردمان معامله کن که دوست داری با تو دادوستد شود، پس دو چهره نباش!
- ۳) با مردم همان‌طور معامله کن که دوست داشته‌اید با شما عمل کنند، پس از دورویان نباشید!
- ۴) به گونه‌ای با مردم رفتار کنید که دوست می‌دارید با شما رفتار شود و دارای دو چهره نباشید!

(عمومی انسانی ۹۹)

۵۷۰- «أرسلنا إلى فرعون رسولاً فقصى فرعون الرسول»:

- ۱) به سوی فرعون رسولی فرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!
- ۲) رسولی را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از فرعون تبعیت نکرد!
- ۳) برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!
- ۴) پیامبری را به سوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر بر فرعون عصیان کرد!

(هنر ۹۵)

۷۰۳- عَيْنِ الْمَاضِي لَيْسَ فِعْلَ الشَّرْطِ:

- (۲) إِنَّ طَلَبَ الْإِنْسَانَ الرَّاحَةَ فِي الْحَيَاةِ فَمَا بَلَغَ السَّعَادَةَ!  
(۴) هَذِهِ الطَّالِبَةُ مَنْ حَاوَلَتْ فِي دَرَسِهَا ثُمَّ نَجَحَتْ فِي عَمَلِهَا!

- (۱) إِنَّ أَدْرَكَ الْإِنْسَانَ عَظْمَةً خَالِقِهِ يَسْجُدُ لَهُ كَثِيرًا!  
(۳) مَنْ تَعَلَّمَ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ يَفْهَمُ لُغَةَ الْقُرْآنِ بِشَكْلِ صَحِيحٍ!

(رياضی ۹۵ با تغییر - ویژه علاقمندان)

۷۰۴- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْفِعْلِ (أَسْلُوبِ الشَّرْطِ):

- (۲) مَنْ أَرَادَ الْوَصُولَ إِلَى الْغَايَةِ يَجْتَهِدُ فِي طَرِيقِهِ إِجْتِهَادًا كَثِيرًا!  
(۴) إِنْ يَحِنَّ وَقْتُ الْامْتِحَانِ نُنْدُبُ زَمَلَاءَنَا أَنْ يَهَيِّبُوا أَنْفُسَهُمْ لِأَدَائِهِ!

- (۱) إِنْ يَتَذَقُّ الْإِنْسَانُ طَعْمَ الصَّعُوبَةِ يُدْرِكُ قَدْرَ السَّعَادَةِ!  
(۳) مَنْ يَطْلُبُ الْحَسَنَاتِ لِلْآخِرِينَ يُشَاهِدُ ثَمْرَةَ عَمَلِهِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ!

(تجربی ۹۵ با تغییر)

۷۰۵- عَيْنِ عِبَارَةً جَاءَ فِيهَا «لِ- (أَمْر)»:

- (۲) عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ لَا يَحَاكِيَ الْآخِرِينَ طُولَ حَيَاتِهِ!  
(۴) لِيُنْزِلَ الْمَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى تَخْضَرَ الْأَرْضُ وَ تُخْرَجَ التَّيَاتُ!

- (۱) أَيُّهَا الشَّبَابُ! لَا تَتَّبِعُوا مَا يُبْعِدُكُمْ عَنِ الْحَقِيقَةِ!  
(۳) إِنْ لَمْ يَتَّخِذْ أَحْوَكُ الْأَسْلُوبِ الصَّحِيحِ فِي الْمَطَالَعَةِ يَخْصِرُ!

(انسانی ۹۰ با تغییر)

۷۰۶- عَيْنِ مُضَارِعًا لَا يَتَغَيَّرُ بِنَاءً:

- (۲) نَسَاءٌ بَلَدْنَا يَتَعَاوَنَنَّ عَلَى بِنَاءِ ثِقَاتِنَا!  
(۴) لَا عَاقِبَةَ لِلْيَوْمِ إِلَّا لِمَنْ يَتَّقَى اللَّهَ!

- (۱) لَمْ يَبْعَثِ الْأَنْبِيَاءُ إِلَّا لِتَعْلِيمِ أَصُولِ الْحَيَاةِ!  
(۳) الْمُقِيمُونَ لِلصَّلَاةِ حَقًّا يُنْفِقُونَ مِمَّا يُحِبُّونَ!

(تجربی ۸۹ با تغییر)

۷۰۷- عَيْنِ أَسْلُوبِ الشَّرْطِ:

- (۱) عِنْدَمَا أَنْزَلَ الْقُرْآنَ لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ أَنْ يَأْتِيَ بِمِثْلِهِ حَتَّى الْآنَ!  
(۲) مَنْ لَمْ يَقْصُرْ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ الْيَوْمَ يَصِلُ إِلَى أَهْدَافِهِ غَدًا!  
(۳) لَيْسَتْ يَقِظُ كُلُّ الْمُسْلِمِينَ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ حَتَّى يَأْخُذُوا حَقَّهُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ!  
(۴) يِنَادِينِي صَدِيقِي أَنْ أَشَاهِدَهُ وَلَكِنِّي لَمْ أَفْهَمْ مَا كَانَ قَصْدُهُ مِنْ هَذَا النِّدَاءِ!

(عمومی فارغ از کشور ۹۴)

۷۰۸- عَيْنِ فِعْلِ الشَّرْطِ مَاضِيًا:

- (۲) إِنْ تَعَامَلَ النَّاسُ مَعَ بَعْضِهِمْ بَعْضًا بَغْضٍ فَسَيَبْغِضُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ!  
(۴) مَا نَعْمَلُ مِنَ الْحَسَنَاتِ فِي حَيَاتِنَا نَجِدُ ثَمَرَتَهَا فِي الْآخِرَةِ!

- (۱) إِنْ يُشَاهِدِ الْإِنْسَانُ نَتِيجَةَ جُحْدِهِ بِشَجَعٍ فِي أَدَاءِ أَعْمَالِ الْخَيْرِ أَكْثَرَ!  
(۳) مَنْ تَدَعَى نَفْسَهُ إِلَى طَرِيقِ الضَّلَالِ فَلَا يَنْسَى أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْقَدِيرُ!

(۸۹ ریاضی با تغییر)

۷۰۹- عَيْنِ «مَا» الشَّرْطِ:

- (۲) مَا عَرَفْتَنِي زَمِيلَتِي حِينَ مَرَرْتُ مِنْ جَانِبِهَا!  
(۴) مَا الْفَخْرُ إِلَّا لِأَهْلِ الْعِلْمِ إِنَّهُمْ عَلَى الْهُدَى!

- (۱) مَا تَعْمَلُ الْيَوْمَ تَحْصِدُهُ غَدًا حَتْمًا!  
(۳) مَا نَوْعُ الرَّائِحَةِ الَّتِي كَانَتْ تَفُوحُ فِي الشَّارِعِ!

(عمومی فارغ از کشور ۹۴)

۷۱۰- عَيْنِ ضَمِيرِ الْبَاءِ لَيْسَ فَاعِلًا:

- (۲) أَلَمْ تَذُقْ حِلَاوَةَ عَاقِبَةِ الصَّبْرِ حَتَّى الْآنَ!  
(۴) نَبَّهْنِي لِذِكْرِكَ يَا إِلَهِي، حَتَّى أَبْتَعِدَ عَنِ الضَّلَالَةِ!

- (۱) إِنْ تَنَادَى رَبُّكَ الرَّؤُوفَ فَهُوَ يُجِيبُكَ!  
(۳) إِسْمَحْ لِي بِأَنْ أَبَيِّنَ لَكَ نَتَائِجَ جُحْدِكَ!

(عمومی فارغ از کشور ۹۳ با کمی تغییر)

۷۱۱- عَيْنِ جَمْعًا سَالِمًا لِلْمَوْثُوفِ مَفْعُولًا:

- (۲) لِيَتَأَمَّلِ الطَّالِبَاتُ الذِّكَايَاتِ قَبْلَ أَنْ يَبْدَأَنَّ بِالْجَوَابِ!  
(۴) عِنْدَمَا كَانَ الطَّعَامُ جَاهِرًا نَادَيْتُ خَالَاتِي لِتَنَاوُلِ الْعِشَاءِ!

- (۱) تَسَرَّنِي التَّلْمِيذَاتُ النَّاجِحَاتُ بِجَدِّهِنَّ!  
(۳) الْبِنَاتُ الْمَجْدَاتُ تُرَبِّيهِنَّ الْأُمَهَاتُ الْفَاضِلَاتُ!

(عمومی فارغ از کشور ۹۴)

۷۱۲- عَيْنِ فِعْلًا نَاقِصًا لَيْسَ مَاضِيًا:

- (۲) لَيْسَ فِي هَذِهِ الْمَكْتَبَةِ كِتَابٌ أُبْحَثُ عَنْهُ!  
(۴) لَيْسَ هُؤُلَاءِ التَّلَامِيذُ فِي دَرُوسِهِمْ مِتْكَاسِلِينَ!

- (۱) مَا كَانَتْ عِنْدَهُ نَقُودٌ يَسَاعِدُ بِهَا الْمَسَاكِينَ!  
(۳) لَمْ يَكُنْ هُنَاكَ مَزْهِيَّةٌ حَتَّى أُجْعَلَ الْأَزْهَارَ فِيهَا!

(تجربی ۹۳ با تغییر)

۷۱۳- عَيْنِ فِعْلًا نَاقِصًا لَا يُمَكِّنُ الْبِنَاءَ لِلْمَاضِي مِنْهُ:

- (۲) أَكَلْتُ مِنَ الْأَطْعَمَةِ الَّتِي كَانَتْ فِيهَا عُنْصُرٌ مَفِيدَةٌ!  
(۴) لَيْسَ مِنْ أَصْدِقَائِنَا مَنْ لَا يُحَاسِبُ أَعْمَالَهُ الْيَوْمِيَّةَ!

- (۱) كَانَتْ فِي غُرْفَتِنَا أَشْيَاءٌ زَائِدَةٌ!  
(۳) إِنَّهَا أَصْبَحَتْ فِي صَفْحِهَا تَلْمِيذَةً مِثَالِيَّةً!



# اول

## سوالات امتحانی درس

### مهارت واژه‌شناسی

**الف** ترجمه کلمات التي تحتها خطاً: (کلماتی که زیرش خط است، ترجمه کن.)

- ۱- اِشْتَرَيْتَ فَمَيْصاً يَلُونِ الْأَصْفَرِ. / .....  
 ۲- سِعْرُ السَّرْوَالِ فِي ذَلِكَ الْمَتَجَرِّ زَخِيصٌ. / .....  
 ۳- التَّوَأُّلُ بَيْنَ النَّاسِ سَبَبٌ تَقَدَّمَ الْأُمَّةِ. / .....  
 ۴- اِسْتِهْزَاءٌ بِالْآخِرِينَ عَمَلٌ قَبِيحٌ. / .....  
 ۵- بَيْتُ الْإِسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ. / .....  
 ۶- تَسْمِيَةُ النَّاسِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ إِثْمٌ. / .....

**ب** اُكْتُبْ فِي الْفَرَغَاتِ الْكَلِمَاتِ الْمُتْرَادِفَةَ وَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَّةَ: (کلمات مترادف و کلمات متضاد را در جاهای خالی بنویس.) =

تَنَابَزٌ / ضَعَايِرُ / إِثْمٌ / كَرِيهَةٌ / عَابٌ / قَدْ تَابَ / أَحَلَّ / انْصَبِحَةَ / مَيِّتٌ / رَخِيصٌ / خَطَأً / ذَنْبٌ / خَفِيَ / اِسْتِهْزَأَ / قَبِيحٌ / غَالِي  
 لَقَبٌ / عَسَى / سَوْءُ الظَّنِّ / حَرَمٌ / لَمَزَ / حَيٌّ / اِبْتَعَدَ / حَسُنَ الظَّنُّ / كِبَائِرُ / مَوْعِظَةٌ / اِقْتَرَبَ / سَجَرَ / شَتَرَ

- ۷- ..... = .....  
 ۸- ..... = .....  
 ۹- ..... = .....  
 ۱۰- ..... = .....  
 ۱۱- ..... = .....  
 ۱۲- ..... = .....  
 ۱۳- ..... = .....  
 ۱۴- ..... = .....  
 ۱۵- ..... ≠ .....  
 ۱۶- ..... ≠ .....  
 ۱۷- ..... ≠ .....  
 ۱۸- ..... ≠ .....  
 ۱۹- ..... ≠ .....  
 ۲۰- ..... ≠ .....  
 ۲۱- ..... ≠ .....

**ج** عَيِّنْ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ: (کلمه غریبه را در هر مجموعه مشخص کن.)

- ۲۲- اِسْتِهْزَأَ  عَابَ  لَمَزَ  تَابَ   
 ۲۳- الْإِثْمَ  التَّوْبَةَ  الخَطِيئَةَ  الذَّنْبَ   
 ۲۴- الذَّهَبَ  الفِصَّةَ  الحَشَبَ  الحَدِيدَ

**د** اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَاتِ: (مفرد یا جمع کلمات را بنویس.)

- ۲۵- دُعَاءٌ: .....  
 ۲۶- بَسْرُوَالٌ: .....  
 ۲۷- سِعْرٌ: .....  
 ۲۸- لَوْنٌ: .....  
 ۲۹- سَبَبٌ: .....  
 ۳۰- خُلُقٌ: .....  
 ۳۱- لَقَبٌ: .....  
 ۳۲- أَفْضَلٌ: .....  
 ۳۳- مَيِّتٌ: .....  
 ۳۴- مَصْنَعٌ: .....  
 ۳۵- مَلْعَبٌ: .....  
 ۳۶- بَسَاتِينٌ: .....  
 ۳۷- كِبَائِرٌ: .....  
 ۳۸- فَسَاتِينٌ: .....  
 ۳۹- رِجَالٌ: .....  
 ۴۰- أَسْرَارٌ: .....  
 ۴۱- أَسْمَاءٌ: .....  
 ۴۲- عُيُوبٌ: .....  
 ۴۳- مَكَاتِبٌ: .....  
 ۴۴- سَوْرٌ: .....  
 ۴۵- مَنَازِلٌ: .....  
 ۴۶- أَعَاظِمٌ: .....

مهارت ترجمه به فارسی

ه ترجمه عبارات التالیة: (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- ۴۷- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾  
 ۴۸- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ.  
 ۴۹- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾  
 ۵۰- لَا تَسْخَرُوا إِمْرَأَةَ الْأَخْرَىٰ عَسَىٰ أَنْ تَكُنَّ خَيْرًا مِنْهَا.  
 ۵۱- ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَاِرْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾  
 ۵۲- ﴿أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾  
 ۵۳- ﴿لَيْلَةَ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾  
 ۵۴- ﴿وَ لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ﴾  
 ۵۵- ﴿أُيْحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مِمَّا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾  
 ۵۶- قَدْ يَكُونُ بَيْنَ زُمَلَانِي مَنْ هُوَ أَذْكَىٰ مِنِّي، فَعَلِينَا أَنْ نَدْرُسَ مَعَهُ.  
 ۵۷- لَا تَجَسَّسُوا فِي أُمُورِ أَصْدِقَائِكُمْ وَ لَا تَعْتَبُوا بَعْضَكُمْ بَعْضًا.
- ۵۸- ﴿مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾  
 ۵۹- تَنَصَّحْنَا الْآيَةَ الْأُولَىٰ مِنْ سُورَةِ الْحَجَرَاتِ وَ تَقُولُ لَا نَعْيَبُوا الْأَخْرَيْنَ.  
 ۶۰- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبِهَائِمِ.  
 ۶۱- يُرِيدُ اللَّهُ مِنْ جَمِيعِ أَبْنَاءِ الْبَشَرِ أَلَّا يُلْقَبَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِالْقَابِ كَرِيهَةٍ.  
 ۶۲- التَّجَسُّسُ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.  
 ۶۳- كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي شَابُورِ فِي خَوْزِسْتَانَ أَكْبَرُ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.  
 ۶۴- سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحَجَرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.  
 ۶۵- الْغَيْبَةُ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ فِي مَكْتَبِنَا وَ هِيَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.  
 ۶۶- أُعْطِيَ الْبَائِعُ الْمَشْتَرِيَّ بِرِوَالٍ بِسِعْرِ خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تُومَانِ.  
 ۶۷- أَنْتَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَشْتَرِيَ مَلَابِسَ أَفْضَلَ مِنْ مَتَجَرِّ زَمِيلِي.

و اِنْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: (ترجمه صحیح را انتخاب کن.)

- ۶۸- «إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ»  
 (۱) به راستی خداوند توبه‌پذیر مهربان است.  
 ۶۹- أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.  
 (۱) بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.  
 ۷۰- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تُعَيِّبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.  
 (۱) عیب بزرگ‌تر این‌که آن‌چه را که مانند آن در توست عیب گرفتی.  
 ۷۱- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.  
 (۱) دشمنی دانا بهترین دوستی نادان است.  
 ۷۲- ﴿إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾  
 (۱) همانا تو دانای نهانی.  
 (۲) به راستی خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.  
 (۲) بهترین مردم برای مردم‌شان سودمند هستند.  
 (۲) بزرگ‌ترین عیب این است که آن‌چه را که مانند آن در توست عیب بگیری.  
 (۲) دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است.  
 (۲) قطعاً تو بسیار دانای نهان‌ها هستی.

ز كَمَلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ: (جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.)

- ۷۳- ﴿وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾  
 و با آن‌ها به روشی که ..... است بحث کن. به راستی پروردگارت به کسی که از راه او گمراه شد ..... است.  
 ۷۴- يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ، يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ، يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ، يَا غَافِرَ الْخَطَايَا.  
 ای ..... عیب‌ها، ای ..... نهان‌ها، ای ..... هر عیب‌داری، ای ..... خطاها.  
 ۷۵- ﴿وَ الْأَخْرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى﴾ در حالی که آخرت ..... و ..... است.  
 ۷۶- أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَىٰ عِلْمِهِ. .... مردم کسی است که دانش مردم را به دانش ..... افزود (بیفزاید).

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

ح ترجمه الكلمات التي تحتها خطًا: (کلماتی را که زیرش خط کشیده شده، ترجمه کن.)

- ۷۷- اِسْتَخْرَجَ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنَ الْقُرْآنِ. ....  
 ۷۸- اُسْتَعْفَرَ اللَّهَ. ....  
 ۷۹- تَنَصَّحْنَا الْآيَةَ. ....  
 ۸۰- أَيَّامُ الْإِمْتِحَانِ كَانَتْ تَقْتَرِبُ. ....  
 ۸۱- اِنْكَسَرَ الرَّجَاجُ. ....  
 ۸۲- تُلَقَّبُ الْإِبِلُ بِسَفِينَةِ الصَّحْرَاءِ. ....  
 ۸۳- الْبَائِعُ سَوْفَ يَتَبَادَلُ الْمَلَابِسَ. ....  
 ۸۴- أُعْطِنِي بِرِوَالًا. ....  
 ۸۵- هَلْ تَعَلَّمْتُمُ الدَّرُوسَ. ....  
 ۸۶- لَا تَعْيَبُوا الْأَخْرَيْنَ. ....

ط ترجم اسم الفاعل واسم المفعول واسم المبالغة واسم التفضيل واسم المكان: (اسم فاعل واسم مفعول واسم مبالغة واسم تفضيل واسم مكان را ترجمه كن.)

- ۸۷- يا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ. / ..... / .....  
 ۹۳- يا عَفَّارَ الذُّنُوبِ. / ..... / .....  
 ۸۸- تَنْقُلُ النَّاقِلَاتُ النَّفْطَ إِلَى الْمَخَارِنِ. / ..... / .....  
 ۹۴- السُّكُوتُ خَيْرٌ مِنَ الْكَلَامِ. / ..... / .....  
 ۸۹- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. / ..... / .....  
 ۹۵- عَيْنَ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ. / ..... / .....  
 ۹۰- يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ. / ..... / .....  
 ۹۶- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوُجْهِينِ. / ..... / .....  
 ۹۱- الْعَمَالُ ذَهَبُوا إِلَى الْمَصْنَعِ. / ..... / .....  
 ۹۷- أَصْدِقَائِي ذَهَبُوا إِلَى الْمَلْعَبِ. / ..... / .....  
 ۹۲- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. / ..... / .....

٥ عَيْنِ نَوْعِ الْأَفْعَالِ ثُمَّ تَرْجِمُهَا: (نوع فعل ها را مشخص كن سپس آن ها را ترجمه كن.)

- ۹۸- لِمَاذَا لَا تَجْتَنِبُونَ مِنَ الظَّنِّ؟! / ..... / .....  
 ۱۰۲- أَلَمْ تَلَأْ كَانُوا يَتَعَارَفُونَ مَعَ بَعْضِ. / ..... / .....  
 ۹۹- سُئِلَ التَّلْمِيزُ. / ..... / .....  
 ۱۰۳- سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. / ..... / .....  
 ۱۰۰- أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، اتَّقُوا اللَّهَ. / ..... / .....  
 ۱۰۴- لَا تَسَافِرُ بِالسِّيَارَةِ. / ..... / .....  
 ۱۰۱- سَوْفَ أَعَلِّمُ الدَّرُوسَ. / ..... / .....  
 ۱۰۵- أَحْسِنُ إِلَى الْفُقَرَاءِ. / ..... / .....

ك ضَعُ فِي الْفَرَاقَاتِ كَلِمَاتٍ مَنَاسِبَةً: (در جاهای خالی، کلماتی مناسب قرار بده.)

- ۱۰۶- تَأْخُذُ الْفَائِزَةُ ..... جَائِزَةً دَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزَةُ السَّانِيَةُ جَائِزَةً فَصِيَّةً. (الأوَّلُ  الأوَّلَى )  
 ۱۰۷- أَرْبَعَةٌ وَ بَيْتُونَ نَاقِصٌ خَمْسَةَ عَشَرَ يُسَاوِي ..... : (تِسْعَةٌ وَ أَرْبَعِينَ  أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسِينَ )  
 ۱۰۸- مَنْ ..... مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِ. (اتَّقَى  اغْتَابَ  لَقَّبَ )  
 ۱۰۹- أَرَادَ الْمُشْتَرِي ..... السَّعْرَ. (تَخْفِيزُ  لَوْنُ  نَوْعِيَّةُ )

ل اَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ: (عملیات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.)

(+ زائد / - ناقص / ÷ تقسیم علی \* ضرب فی)

- خمسة و ثمانون زائد خمسة عشر يساوي مئة.  $85 + 15 = 100$   
 ۱۱۰- بَيْتَةٌ وَ خَمْسُونَ نَاقِصٌ أَرْبَعَةٌ وَ عَشْرِينَ يُسَاوِي اثْنَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ. / ..... / .....  
 ۱۱۱- سَبْعَةٌ فِي ثَلَاثَةِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ عَشْرِينَ. / ..... / .....  
 ۱۱۲- خَمْسُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ. / ..... / .....  
 ۱۱۳- بَيْتَةٌ عَشْرٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةَ عَشَرَ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ. / ..... / .....

٢ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (نقش کلماتی را که زیرش خط است، مشخص کن.)

- ۱۱۴- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنَ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. / ..... / .....  
 ۱۱۵- ﴿لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ / ..... / .....  
 ۱۱۸- ﴿لَا يَلْعَلُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبِ إِلَّا اللَّهُ﴾ / ..... / .....  
 ۱۱۹- حَسُنَ الْخَلْقُ نِصْفَ الدِّينِ. / ..... / .....

ن عَيْنِ الْفِعْلِ الْمَجْهُولِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ ثُمَّ تَرْجِمُ ذَلِكَ الْفِعْلَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ: (فعل مجهول را در هر عبارتی مشخص کن سپس آن فعل را به فارسی ترجمه کن.)

- ۱۲۰- إِنَّمَا بَعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. / ..... / .....  
 ۱۲۱- ﴿فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظَلَمُونَ شَيْئًا﴾ / ..... / .....  
 ۱۲۲- حُرِّمَ الْإِسْتِهْزَاءُ وَ الْغَيْبَةُ. / ..... / .....

س عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ ثُمَّ تَرْجِمُهَا:

(اسم فاعل واسم مفعول واسم مبالغة واسم تفضيل واسم مكان را مشخص كن، سپس آن ها را ترجمه كن.)

- ۱۲۳- يَا سِتَّارَ الْعُيُوبِ. / ..... / .....  
 ۱۲۴- أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. / ..... / .....  
 ۱۲۶- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ﴾ / ..... / .....  
 ۱۲۷- لَا تَعْيَبُوا الْآخِرِينَ. / ..... / .....  
 ۱۲۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْحَسَنِ. / ..... / .....  
 ۱۲۸- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ / ..... / .....

۱۲۹- خَبِرَ الْأُمُورِ أَوْسَطَهَا. ....

۱۳۰- سَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ. ....

**مهارت درک و فهم**

ع **إِجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ:** (در دایره عدد مناسب را قرار بده.)

- ۱۳۳- الْكِبَائِرُ ○ الَّذِي لَيْسَ حَيًّا.
- ۱۳۴- الْغَيْبَةُ ○ إِتِهَامٌ شَخِصٍ لِشَخِصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.
- ۱۳۵- التَّجَسُّسُ ○ الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ.
- ۱۳۶- الْمَيْتُ ○ تَسْمِيَةُ الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.
- ۱۳۷- سُوءَ الظَّنِّ ○ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ مِنْ عِبَادِهِ.
- ۱۳۸- التَّوْبَةُ ○ ذَكَرَ عُيُوبِ الْآخِرِينَ بِكَلَامٍ حَفِيٍّ.
- ۱۳۹- اللَّهُ ○ مَحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ.
- ۱۴۰- الإِسْتِهْزَاءُ ○ الَّتَدَمُّ عَلَى الْخَطَايَا وَالسَّعْيُ لِتَعْوِضِهَا.

ف **إِقْرَأِ النَّصَّ الْقُرْآنِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:** (متن قرآنی را بخوان سپس به سوالات پاسخ بده.)

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ﴾

۱۴۱- بِمَاذَا تُشَبَّهُ الْغَيْبَةُ؟

۱۴۲- لِمَاذَا عَلَيْنَا أَنْ نَجْتَنِبَ مِنَ الظَّنِّ؟

۱۴۳- هَلْ يَجُوزُ إِسْتِهْزَاءُ الْآخِرِينَ؟ لِمَاذَا؟

۱۴۴- مَا مَعْنَى «لَا تَلْمِزُوا» وَ «أَنْ يَأْكُلَ» فِي هَذَا النَّصِّ؟

**مهارت مکالمه**

ص **أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:** (به سؤال‌ها پاسخ بده.)

- ۱۴۵- كَيْفَ حَالُكَ؟
- ۱۴۶- كَمْ عُمْرُكَ؟
- ۱۴۷- مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
- ۱۴۸- مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟

ق **رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اَكْتُبْ سُؤَالَ وَّ جَوَابًا صَحِيحًا مِنَ الْجَوَابِ:** (کلمات را مرتب کن و سؤال و پاسخی درست از گفت و گو را بنویس.)

- ۱۴۹- صَارَ / أَطْعَمَنِي / التَّخْفِيفُ / تِسْعِينَ / كَمْ / أَلْفٌ / بَعْدَ / تُوْمَانٍ / الْمَبْلَغُ / . / ؟ /
- ۱۵۰- أَلْوَانٌ / لَوْنٌ / أَيْ / عِنْدَنَا / عِنْدَكُمْ / كُلُّ / . / ؟ /
- ۱۵۱- هَذِهِ / الْأَسْعَاذُ / بِكُمْ / مِنْ / تُوْمَانٍ / خَمْسَةَ وَ سِتِّينَ / الْفَسَاتِينُ / أَلْفًا / تِسْعِينَ / إِلَى / تَبْدَأُ / تُوْمَانٍ / أَلْفًا / ؟ /

**پاسخ سوالات امتحانی درس اول**

- ۱. پیراهن - زرد
- ۲. مغازه - ارزان
- ۳. ارتباط - پیشرفت
- ۴. ریشخند کردن - زشت
- ۵. بد است - آلوده شدن به گناه
- ۶. ناامیدن - گناه
- ۷. اِثْمٌ = ذَنْبٌ (گناه)
- ۸. کَرِيهٌ = قَبِيحٌ (زشت)
- ۹. عَابٌ = لَمَزٌ (عیب‌دار کردن = عیب‌گرفت)
- ۱۰. قَدْ (بر سر فعل مضارع) = عَسَى (گاهی = شاید)
- ۱۱. نَصِيحَةٌ = مَوْعِظَةٌ (پند)
- ۱۲. حَفِيٍّ = سَتَرٌ (پنهان شد = پوشیده شد)
- ۱۳. إِسْتِهْزَاءٌ = سَخِرَ (مسخره کرد)
- ۱۴. تَنَابَزَ = لَقَّبَ (با لقب [بد]خواند = لقب داد)
- ۱۵. صَغَائِرٌ ≠ كِبَائِرٌ (گناهان کوچک ≠ گناهان بزرگ)
- ۱۶. أَحَلَّ ≠ حَرَّمَ (حلال کرد ≠ حرام کرد)
- ۱۷. مَيْتٌ ≠ حَيٌّ (مرده ≠ زنده)
- ۱۸. رَخِيسٌ ≠ غَالِي (ارزان ≠ گران)